

# هدف هر نظام مردمی، باید رفاه انسانها و اعتلاء معنوی آنان باشد

جامعه ایران دوران گذار را با تمام بفرنجی‌ها، رقت‌ها و بازگشت‌ها و توقف‌ها و شتاب‌ها میگذراند. بر کشور، طی ۵۰ سال، نظام طبقاتی وابسته‌ای حاکم بوده، که رسالت خود را تسلیم کشور به امپریالیسم، استضعاف طبقات و اقتدار زحمتکش و مرفه کردن طبقات و اقتدار وابسته طفیلی قرار داده بود. انقلاب ایران با خصلت

خلقى خود، این هدف مهم را در برابر خویش نهاد، تا کوخ‌نشینان، یعنی طبقات و اقشار محروم و زحمتکش را از اعماق فقر و جهل و بیماری برهاند و به آنان زندگی شایسته‌ای عرضه دارد. این هدف متعالی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافته و تأمین اشتغال، استفاده از آموزش رایگان، داشتن مسکن مناسب و

پرورداری از تأمین اجتماعی بمثابة حق مسلم برای همگان در نظر گرفته شده است. برای دست‌یافتن به این اهداف مردمی، باید برنامه‌های اقتصادی و عمرانی کشور در چارچوبی تنظیم و تدوین شود که در خدمت تعدیل شکاف طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی قرار گیرد، برای محرومان جامعه کار و نان و بهداشت و

## مردم قهرمان عراق مبارزه خود را علیه رژیم جنایتکار صدام تشدید میکنند

روزنامه «طریق الشعب» ارکان حزب کمونیست عراق، که بطور مخفی انتشار می‌یابد، اخبار جالبی از مبارزات دلورانه مردم عراق، علیه رژیم جنایتکار صدام حسین، منتشر کرده است. ما برخی از این اخبار را، که بیانگر بیداری و یکپارچگی مردم عراق است،

مدرسه فراهم آورد، طبقات مرفه و ثروتمند جامعه را لگام زند و از تاختن بسوی منفعت‌طلبی و لذت‌جویی، به بهای فقرتوده‌ها، بازدارد. در دو سال پس از پیروزی انقلاب، با آنکه ضربات محکمی بر مواضع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته، زمینداران کلان و فئودالها

## لایحه قصاص را مسکوت گذارید!

● قراردادن افکار عمومی در جریان «بحث آزاد» درباره لایحه قصاص، اقدامی مثبت، ولی ناکافی است. ● ایجاد جو رعب و شائناژ و برچسب‌زنی، هنگام بحث درباره «لایحه قصاص»، آنرا قابل دفاع نخواهد ساخت.

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، طی آگهی‌هایی، اعلام کرده است که «بحث آزاد» درباره «لایحه قصاص» از صدا و سیما، پخش خواهد شد «نامه مردم» در شماره مورخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۶۰ خود، به مناسبت آغاز «بحث آزاد» درباره «لایحه قصاص»، ضمن تکرار مواضع اصولی خویش درباره این لایحه، برای چندمین بار، انجام «بحث آزاد» را «کاری مثبت و مفید» اعلام کرد، ولی افزود که، شرایط انجام «بحث آزاد» و بویژه وجود دو نوع جو نامطلوب و محیط نامناسب برای تحقق اهداف «بحث آزاد»، این کار مثبت و مفید را ناقص و عقیم می‌گذارد.

«نامه مردم» نوشت که ۲ نوع جو منفی، یکی «محدودیت فضای بحث» و دیگری جو «برچسب‌زنی و رعب و شائناژ» و متهم‌ساختن کلیه منتقدین این لایحه به «مخالفت با قرآن و اسلام» و قائل نشدن تمایز میان کسانی که «از سر دلسوزی برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چنین لایحه‌ای را اصلاح نمی‌دانند»، یا کسانی است که «از این لایحه برای تبلیغ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، سوء استفاده می‌کنند».

خوشبختانه تصمیم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای پخش «بحث آزاد»، تقصیر نخست را برطرف می‌سازد، که موجب خوشحالی است؛ اما متأسفانه تقصیر دوم هنوز بجای خود باقی است و امیدواریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، که به سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی

## امروز و فردا، بعد از اخبار شب در شبکه اول:

### بحث آزاد تلویزیون با شرکت حزب توده ایران پخش میشود

در این بحث، که عنوان آن بحث «ایدئولوژی - عقیدتی» است، رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت‌کنندگان در این بحث عبارتند از آقای مصباح (از حوزه علمیه قم) آقای سروش (منفرد) و آقای فرخ نگهبان (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»). ماهمه علاقمندان را به شنیدن این بحث دعوت میکنیم.

## تمام اسناد جاسوسخانه آمریکا را منتشر کنید!

روزنامه «میزان» به‌پیروی از مشی پیگیر ضدتوده‌های خود، در شماره مورخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۶۰ خود، در ستون «با حاشیه»، از «اسناد مربوط به حزب توده... در لانه جاسوسی» سخن به میان آورده و افزوده است: «مگر ممکن است شیطان بزرگ... از حزب توده... اسنادی نداشته باشد؟» حزب توده ایران و ارکان مرکزی آن «نامه مردم»، از زمان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا تا بحال، بارها و بارها از مسئولین خواسته‌اند که کلیه اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی آمریکا را، بی‌هیچ تمایزی، منتشر سازند. حزب توده ایران بر این عقیده بوده و هست که انتشار کلیه اسناد لانه جاسوسی آمریکا نه فقط پسرده از چهره دشمنان جاسوسان و منابع جاسوسخانه

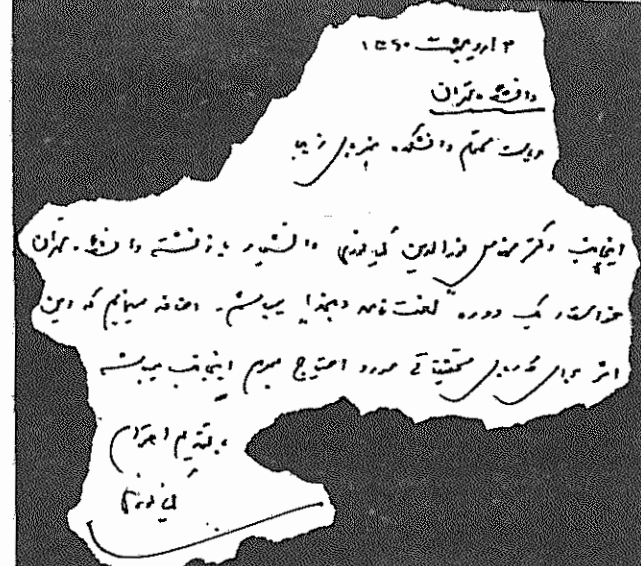
دکتر حسین ابوزریان، طی مقاله‌ای زیر عنوان «دولت‌رئاستی به کجا می‌رود؟!» (اطلاعات، ۲۴ اردیبهشت ۶۰) باز هم با نیش و خلاف واقع مطالبی درباره حزب توده ایران نوشته است. وی می‌نویسد: «... در این میان حتی رادیو-های خارجی خط امامی (!) مثل... و رادیوی صدای ملی ایران (صدای حزب توده) نیز دل‌خوشی از رجائی ندارند...» پس دینوسبیل، ضمن اعتراض شدید به این شیوه‌های زشت

## نمونه یک پر خورد غیر اخلاقی

زیر نامه رفیق کیانوری، فردی با امضای ناخوانا شرح زیر را نوشته است، که نمونه یک پر خورد غیر اخلاقی است، که برای اطلاع و قضاوت افکار عمومی در زیر چاپ و کلیشه میشود: «بنام خدا آقای مهندس کیانوری جنابمالی که چهارده میلیون تومان (آفتابور که بین همه مردم شایع است) بابت خرید ساختمان مرکزی حزب توده پرداخت کرده‌اید قادر هستید که لفت‌نامه را به قیمت اصلی خریداری فرمائید» ۲۶ اردیبهشت ۶۰ امضاء ناخوانا

۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ ریاست محترم دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران اینجانب دکتر مهندس نورالدین کیانوری، دانشیار بازنشسته دانشگاه تهران، خواستار یک دوره «لفت‌نامه دهخدا» می‌باشم. اضافه می‌نمایم که این اثر برای کارهای تحقیقاتی مورد احتیاج مبرم اینجانب می‌باشد. با تقدیم احترام کیانوری»

در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۶۰، رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی نامه‌ای به ریاست دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران)، بعنوان «دانشیار بازنشسته دانشگاه تهران»، طبق عرف دانشگاه، خواستار یک دوره «لفت‌نامه دهخدا» شد. نامه بشرح زیر است:



## سپاهیان پاسدار جاده تدارکاتی دشمن را مین گذاری کردند

دلوران ایران در جبهه‌های جنگ به نبرد با دشمنان متجاوز ادامه می‌دهند و ضربات متعددی بر اشغالگران صدامی وارد می‌کنند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران بخشی از عملیات نیروهای ایران را در اعلامیه ۵۰۳ خود اعلام کرد؛ مهمترین عملیات یادشده در این اعلامیه بشرح زیر است:

در جبهه‌های میوان مواضع نیروهای عراقی زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین رزمندگان نیروی زمینی قرار گرفت که منجر به انهدام ۵ سنگر اجتماعی و یک خودرو دشمن شد و یک تانک دشمن نیز آسیب دید. در همین جبهه مواضع دشمن در منطقه «پنجوین» مورد هدف

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

روز دوشنبه «نامه مردم» منتشر نمیشود

هدف هر نظام...

بقیه از صفحه ۱
وارد آمده، ولی از آنجا که برای تدوین برنامه‌های اقتصادی و عمرانی درازمدت کاری جدی انجام گرفته و اقدامات انجام شده هم منسجم و در هماهنگی با یکدیگر نبوده، نتوانسته است تحولی اساسی در زندگی محرومان جامعه پدید آورد و بار فقر و حرمان را از دوش آنان بردارد. برای نمونه سرمایه‌داری بزرگ وابسته در بخش صنعت، کشاورزی و ساختمان محدود و در مواردی محدود شده، ولی در بخش بازرگانی، به علت عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و فقدان کنترل کامل دولتی بر صادرات و واردات و توزیع کالا، عرصه غارتی بی‌مراتب و وسیع تر از دوران طاغوت بیچنگ آورد و شکاف طبقاتی را تعمیق کرد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در یکی از خطبه‌های نماز روز جمعه (۲۸/۱/۹۰) به ضرورت یک نظام اقتصادی عادلانه در جامعه اشاره کرد و گفت: «اگر نظام اقتصادی جامعه طوری باشد که مردم متوسط جامعه به طرف اشرافی شدن کشیده شوند و مردم فقیر به طرف فقیرتر شدن بروند، این نظام اجتماعی غلط است.»

امام‌جمعه تهران افزود: «در جامعه باید روال اقتصادی طوری باشد که مردم فقیر بسوی رفاه حرکت کنند، اما مردمی که از رفاه برخوردار هستند بسوی رشد سرمایه و رفاه سیر نکنند؛ زیرا باز اختلاف سطح زندگی مردم باقی میماند... در جامعه اسلامی باید وضع اقتصادی و ترکیب برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی طوری باشد که مردم فقیر و مستمند، که اکثریت جامعه ما را تشکیل می‌دهند، بروند به سمت یک زندگی مرغه کامل، اما کسانی که از وضع زندگی مرفهی برخوردار هستند، طوری نباشد که بروند بسوی اشرافیگری.»

ایجاد جامعه‌ای متعادل، با این کیفیت، بی‌تردید خواست هر مبارز انقلابی است. اما متأسفانه از بسوی دو گسره در راه آن سنگ‌اندازی میشود:

گروه اول کسانی هستند که میخواهند راه تکامل سرمایه‌داری را بر کشور ما تحمیل کنند. سرمایه‌داری لیبرال ایران‌بیانگر پرلچاق چنین گسرایشی است. اینان وجود پدیدۀ ثروت و فقر را در جامعه «طبیعی» میدانند، استثمار نیروی کار زحمتکش را ضرورتی بی‌بربر گرد می‌شناسند و در نظام بهره‌کشی عیب‌واری نمی‌بینند.

گروه دوم کسانی هستند که میخواهند این باور را بر جامعه تحمیل کنند که گویا خواست یک زندگی انسانی، نامش «رفاه‌طلبی» است و رفاه‌طلبی بمعنای سقوط معنوی انسان، اینان از نظر کارایی میکنند که نکند در جریان مبارزه برای کار و نان و مسکن و بهداشت و مدرسه، زحمتکش‌ها با سر به ورطه «رفاه پرستی» و «دنیاپرستی» افتند. در جامعه ما، که متأسفانه هنوز طبقاتی است و هنوز در آن آثار نفوذ امپریالیسم در زمینه‌های مختلف

مردم قهرمان...

بقیه از صفحه ۱

علی دستور داده میشود که پرواز کند و هدفبائی را در ایران بمباران نماید. او اطاعت نمی‌کند و می‌گوید:

«در ایران هیچ هدفی را بمباران نمی‌کنم، ولی آماده هستم هدفی را که در اسرائیل بخواهید، بمباران کنم.»

صدام حسین، شخصاً بوسیله تلفن فرمان میدهد تا او را اعدام کنند. جلالان صدام حسین، سروان شجاع و جانباز عراقی را تیرباران کردند. هنگامیکه بیکر گلگون سروان شهید عراقی را تحویل خانواده‌اش دادند، جلالان آنها را از بن‌گرایی هرگونه مجلس ختمی منع کردند و گفتند که در صورت تشکیل مجلس ختم، کلیه آنها را اعدام خواهند کرد.

شکافی «در ارتش داوطلب»

شب ۲۷/۱۲/۱۹۸۰، چند تن از افراد ارتش داوطلب، که مخالف رژیم بودند، اتومبیلی را بردند و بوسیله آن خود را به نزدیک اردوگاه ارتش داوطلب رساندند و بسوی افراد آن تیراندازی کردند و ۱۴ تن را به قتل رساندند. در بصره، عده‌ای از اهالی لباس ارتش داوطلب را به تن کردند و به اردوگاه ارتش داوطلب در این شهر حمله بردند و با همکاری برخی از افراد ارتش داوطلب، که مخالف رژیم بودند، عناصر طرفدار رژیم را تصفیه و ساختمانها را منفجر کردند. نظیر این عمل تقریباً در همه استانها روی داده است.

فرمانده ارتش داوطلب در شهر سمساره، افراد تحت فرماندهی را جمع کرده، طی یک سخنرانی از آنها میخواهد که داوطلب شوند و به جبهه جنگ بروند. او بسیار حماسه آمیز و «هیجان‌برانگیز» سخن گفت. اما هیچکس داوطلب نشد. فرمانده بار دیگر سخنش را با عبارات «هیجان‌برانگیز» از سر گرفت. باز هم فایده‌ای نداشت. سپس به ارباب روی آورد و افراد را در صورت سرپیچی از داوطلب شدن به اعدام یا زندان تهدید کرد. باز هم هیچکس

سپاهیان پاسدار...

بقیه از صفحه ۱

آتش نیروهای جان‌برکف مافکار مسرفانه میکنند، آنها یکی که تولید را متوقف میکنند، آنها یکی که حاضرند بقیمت پول‌دار شدن خودشان، به قیمت افلاس و بیچارگی مردم، خود را و کیسه خود را انباشته کنند، اینها دشمنان انقلاب اسلامی هستند.

هم آن احتکار، هم آن اسراف، هم آن تعطیل تولید و هم آن ثروت‌اندوزی آزمندانه، خاص طبقات و اقشاری است که به‌بهای تیره‌روزی میلیون‌ها انسان، زندگی طاغوتی برای خود ایجاد کرده‌اند. نظام جمهوری اسلامی ایران باید بتواند مواضع این محترکین، این مسرفین، این خرابکاران و این آزمندان مستکبر را درهم کوبد، تا بتواند حداقل رفاه را برای زحمتکش‌ها تامین کند.

بگفته امام خمینی، انقلاب را کوخ‌نشینان به بی‌روزی رساندند، باید به آن امکان داد، تا از ثمرات این انقلاب کاشان شیرین‌ترین این عملیات در زیر آمده

داوطلب نشد. فرمانده دستور داد تا هر کس از فرمان داوطلب شدن اطاعت نکند، به سازمان امنیت تحویل داده شود.

اعمال جنایتکارانه توسط مزدوران صدام حسین «عادی» شده است

در تاریخ ۲۰/۱۲/۱۹۸۱، دژخیمان رژیم، دهها جنازه را در منطقه آلازلورکاء، واقع در شمال شرقی بخش الخضر، دفن کردند. این جنایت از زمره عادی‌ترین اعمال دژخیمان صدام حسین علیه مبارزان است.

دستگیری پیرمرد ۷۵ ساله بجزم امتناع از جنگ

در حدود بهمن‌ماه، دژخیمان صدام حسین، پیرمرد ۷۵ ساله‌ای بنام راضی از عشیره ظوالم را دستگیر کردند. «جزم» این پیرمرد آن بود که رفتن داوطلبانه به جنگ را نپذیرفته بود!

با برانکاره به جبهه

در شبی که اعلامیه شماره ۱۳۰ رژیم صدام دایر بر اینکه پیرمردان بیش از ۶۵ سال هم باید داوطلبانه (!) به جبهه بروند، بخش شد، در استان قاسمیه، تمام ماشینهای دولتی عازم شهرستانها و بخش‌های اطراف شدند، تا «داوطلبان» را تا صبح زود بعد در مرکز استانداری جمع کنند. در اعلامیه دستور داده شده بود که کسانی که بعنوان پیری یا بیماری از آمدن خودداری می‌کنند، باید پسر وسیله، حتی با برانکاره هم که باشد، به مرکز استان آورده شوند.

مزدوران رژیم صدام به همین نحو عمل کردند و عده‌ای را با این وضع به مقابل استانداری بردند. صبح کسه شده، مقابل استانداری از اینگونه «داوطلبان» علیل و بیمار و پیر، پر بود. در این شرایط عده زیادی از خانواده‌ها تصور کردند که جنازه فرزندان آنها را از جبهه‌های جنگ آورده‌اند. پس با فریاد و شیون برای گرفتن اجساد شهیدانشان به کشتی‌های پلیس حمله کردند.

(۱) «جیش‌الشعبی» که ما آنرا «ارتش داوطلب» ترجمه کرده‌ایم، نیروی است داوطلب و مزدبگیر و ربطی با ارتش رسمی ندارد.

است:

منطقه گیلان غرب - اینارگران پاسدار موفق شدند پامین‌گذاری یکی از جاده‌های تدارکاتی دشمن در این منطقه یک خودروی قوای کفر را به همراه سرنشینان آن منهدم کنند.

در جبهه «تنگ‌حاجیان» در پی حمله گروهی از قوای صدام ۸ تن کشته و زخمی شدند. آبادان - واحد خمپاره‌اندازان سپاهیان پاسدار موفق شدند یک انبار مهمات قوای متجاوز یعنی را در جبهه ایستگاه ۷ آبادان نابود کنند.

در جبهه «فیاضیه» نیز یک انبار مهمات و ۳ نفر از مزدوران صدام نابود شدند. همچنین آتش خمپاره‌انداز پاسداران انقلاب اسلامی براسکله و تاسیسات نفتی «فاره» صدمات و تلفاتی را بر صدامیان وارد آورد.

واحد خمپاره‌انداز سپاهیان پاسدار در جبهه «مهدزی» موفق شد یک خودرو حامل مهمات را منهدم کرده و قسمتی از مقر استقرار قوای متجاوز صدام را نابود کنند.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در همدان

بمناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای ارجمند کمیته مرکزی حزب توده ایران!

صمیمانه‌ترین تبریکات ما را به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بپذیرید. این رویداد بزرگ، در این لحظات سرفروشت‌ساز تاریخ میهن ما و انقلاب شکوهمند صدام‌پریالیستی، مردمی و ضداستبدادی خلقهای ایران، بحق شایسته آنست، تا چون برگی زرین در دفتر مبارزات طبقه کارگر رزمنده و خلقهای دلیر ایران، بنشیند.

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی و برنامه حزب توده ایران مصوب پلنوم، به روشنی نشان داد که حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، در فاصله بین دو پلنوم، چه گامهای استوار و بلندی در راه هدایت مبارزات غرورآفرین و بی‌امان مردم میهن ما، برای استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی برداشته است.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در همدان بخوبی میدانند که پیروزیهای چشمگیر حزب پرافتخار ما، جز در سایه بکارگرفتن دقیق و پیگیرانه اصول سوسیالیسم علمی در عمل و تلاش خستگی‌ناپذیر رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران و مبارزه پرشور و صادقانه همه رفقای حزبی بدست نیامده است.

از همین‌رو، ما با سری افراشته اعلام می‌داریم که در شرایط کنونی، برنامه حزب توده ایران، مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران را، که بازتاب مشی اصولی و انقلابی حزب ماست، همچون پرچم مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب صدام‌پریالیستی، مردمی و ضداستبدادی ایران به رهبری امام خمینی، همواره در پیش چشم داریم.

رفقای گرامی! یک‌بار دیگر، شادباش‌های رفیقانه ما را همراه بهترین آرزوها برای موفقیت شما و همه رفقای مبارز توده‌ای بپذیرید.

زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! مرگ برامپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا!

نمونه یک...

بقیه از صفحه ۱

فتوکی نامه را میفرستم. از آنجا که نویسنده زیرنویس آنقدر شهادت اخلاقی نداشته است که نام خود را بطور خوانا در زیر نوشته‌اش بنویسد، و از آنجا که در نظر دارم علیه این فرد مفتی به دادگاه صالحه اعلام جرم نمایم، خواهش میکنم هویت او را مشخص فرمائید، زیرا مسلماً شما از روی خط میتوانید همکاران خود را بشناسید. ضمناً از شما میخواهم که مطالب زیر را به این «آقا» ابلاغ فرمائید:

۱- داستان خرید خانه مرکز حزب به مبلغ ۱۴ میلیون تومان دروغ‌شادخاری است که سازمان «سیاسی» آمریکا خلق کرده و بوسیله روزنامه‌های آمریکایی «مید ایران» و «آیندگان» برای اولین بار مطرح گردیده است و بعداً بوسیله کسانی تکرار شده است که یا از وابستگان به آن «قبیله خبیثه» هستند و یا کورب‌ذهنانی که از شعور و شهادت اخلاقی حداقل هم برخوردار نیستند.

۲- خانه مرکز حزب توده ایران خانه‌ای است اجاره‌ای، صاحب آن معلوم، این صاحب با شرکت دیگران چندین سال پیش از انقلاب زمین این خانه را تهیه کرده و با گرفتن اعتبار از بانک

آنرا ساخته و اکنون هم‌اچاره دهنده آنست.

۳- حزب توده ایران و شخص من حاضریم تمام آن حقوقی را که به ادعای «مفتی» مجهول - الهویه» در مقابل پرداخت ۱۴ میلیون تومان، در زمینه مالکیت این‌خانه، به ما تعلق میگیرد، براساس همین نوشته، بلاعوض به این آقای «مفتی» مجهول‌الهویه» منتقل سازیم، بشرط اینکه ایشان حاضر شوند یک‌بزار تومان بنام ما، به صندوق کمک به آوارگان جنگ واریز نمایند.

۴- اگر این آقای مجهول-الهویه مدعی پیروی از مکتب اسلام است، به ایشان پیاموزید که در جمهوری اسلامی ایران «افتراء» جزء جرم‌های بزرگ محسوب میشود و معمولاً بدخواهان، مشکوکان و افرادی که از منطق ضعیف برخوردارند، به فحاشی متوسل میشوند و افتراء نوع بسیار زشتی از فحاشی است.

۵- ما مبارزان راه محرومان جامعه ایران اکنون دهها سال است با امثال این «مفتریان» روبرو هستیم و پاسخ‌ساده ما بر آنان اینست: بر دامن کبریاش نشینند گردد.

درخواست من برای خرید یک دوره لغت‌نامه دهخدا بقوت خود باقی است.

رونوشت: برای اطلاع ریاست دانشگاه تهران ارسال میگردد. کیاوری

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

# سیستم چندحزبی در کشورهای سوسیالیستی

مسئله اتحاد احزاب، سازمان‌های سیاسی و همه نیروهای خلق، نه تنها در شرایط تدارک انقلاب، بلکه پس از پیروزی انقلاب و حتی در دوران ساختمان جامعه‌نویس، از عمده‌ترین هدف‌های مبارزان، معتقد به سوسیالیسم علمی است. وجود سیستم چندحزبی که معرف همکاری طبقات و اقشار گوناگون اجتماعی در بسیاری از کشورهای سوسیالیستی و تحکیم پایه‌های این اتحاد در روند تکامل و شکوفایی جامعه است، بهترین موجد این معنی است. مقالهای را که در زیر می‌خوانید، زمینه‌ها و ضرورت‌های سیستم چندحزبی را در برخی از کشورهای سوسیالیستی و اقشار آنها، گوناگونی‌ها را در شرایط اجتماعی مختلف بررسی می‌کند.

وجود سیستم تک‌حزبی یا چند حزبی در کشورهای سوسیالیستی، بیش از همه با اشکال ویژه سیاست پروولتاریا در قبال اتحاد طبقاتی، رابطه تنگاتنگ دارد. لنین نوشت:

**"بدون اتحاد با غیر کمونیست‌ها در اکثر زمین‌ها، سخنی از ساختمان موفقیت آمیز کمونیسم نمی‌تواند در میان باشد."**

تقویت مداوم این اتحاد برای بنای جامعه نوین ضرور است. مسئله سیستم چندحزبی یا تک‌حزبی در ساختار سیاسی جامعه با اتحاد گوناگون در کشورها، بطور نمونه در مغولستان، در مسیر مبارزه در راه سوسیالیسم، سیستم تک‌حزبی یا به عرصه وجود نهاد، در حالیکه در لهستان، آلمان دمکراتیک، چکسلواکی و بلغارستان مسئله پیچیده تر بود و حل آن بذل دقت فراوان از سوی مارکسیست-لنینیست‌ها را می‌طلبید. در لهستان این ویژگی بنحو دیگری مطرح بود. سیستم سیاسی در این کشور رشد همکاری حزب متحد کارگری لهستان با متحدینش یعنی حزب متحد دهقانان و حزب دمکراتیک را در دستور قرار میداد.

بدین ترتیب ساختار سیاسی تک‌حزبی یا چندحزبی در یک کشور سوسیالیستی خاص، بر پایه شرایط و شرایط جزیی و از پیش تعیین شده استوار نمی‌شود. این امر به شرایط ویژه زمان گذار آن کشور از سرمایه‌داری به سوسیالیسم بستگی دارد. گاهی شرایط بنحوی است که تنها راه حل صحیح از نقطه نظر منافع طبقه کارگر ارائه سیستم تک‌حزبی است، در حالیکه در موارد دیگر، سیستم چندحزبی ضرورت می‌یابد. در هر حالت، مسئله اصلی همانا یافتن شکل موثری از اتحاد بین طبقه

کارگر و دهقانان، روشنفکران و سایر بخش‌های غیر پروولتری و بسیج‌نوده‌ها به گرد بر نامه ساختمان سوسیالیسم است. در سوسیالیسم، طبقاتی از قبیل بورژوازی بزرگ و ملاکان وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. این طبقات با اولین تحولات انقلابی، که از سوی حکومت خلق صورت می‌پذیرد، از صحنه سیاسی محو می‌شوند. تجدید سازمان سوسیالیستی کشاورزی بنوع خود کولاک‌ها (دهقانان ثروتمندی که کارگر مزدور استنمار می‌کردند) را به عنوان یک طبقه نابود می‌کند. جامعه سوسیالیستی بطور عمده مرکب از دو طبقه یار و همراه: کارگران و دهقانان - و نیز روشنفکران است، و بنا بر این فارغ از تضادهای لاینحل اجتماعی است که در سرمایه‌داری بصورت احزاب سیاسی مخالف و رقابت سهمگین بین آنها تجسم می‌یابد.

## علت وجود سیستم چندحزبی

در بین احزاب غیر کمونیست کشورهای سوسیالیستی، در وهله اول باید از احزاب دهقانی نام برد: اتحادیه کشاورزی خلق بلغارستان، حزب دمکراتیک دهقانان (جمهوری دمکراتیک آلمان) و حزب متحد دهقانان در لهستان، از جمله این احزاب هستند. حزب خلق چکسلواکی رانیز، که دهقانان بطور سنتی اکثریت اعضای آنرا تشکیل می‌دهند، می‌تواند در این گروه جای داد. حزب بازسازی اسلواک نیز بیشتر با روستا سر و کار دارد، تا با شهر.

طی سالیان حاکمیت خلق، احزاب دهقانی در این کشورها تحول ریشه‌ای یافته‌اند. این تحول بنوع

خود تغییر زندگانی در روستا و طرز فکر دهقانان را منعکس می‌سازد. در مراحل اولیه مبارزه در راه سوسیالیسم احزاب دهقانی توجه خود را بطور عمده بر روی اصلاحات ارضی و مسائلی که مربوط به تحکیم و گسترش دست آوردهای انقلابیست، متمرکز کرده بودند. در حال حاضر این احزاب فعالانه در ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته شرکت می‌جویند.

گروه دیگر مرکب از احزابی است که بطور عمده در برگیرنده اقشار شهر-نشین است: نمایندگان روشنفکران قدیمی، صنعتگران و تا حدودی کارگرانی که بیشتر در موسسات کوچک بکار مشغولند. این اقشار پایگاه عضو گیری حزب دمکراتیک لهستان، حزب لیبرال دمکراتیک آلمان و حزب سوسیالیست چکسلواکی را تشکیل می‌دهند. این احزاب کوچکتر از آن دسته احزاب دهقانی‌اند، که لزوماً تراکم و حجم واقعی طبقات و اقشار جامعه را منعکس می‌سازند. احزابی که نمایندگی "اقشار متوسط" شهری و تا حدودی روستایی را بعهده دارند، بهترین سنت‌های جنبش لیبرال - دمکراتیک را در یک جامعه ماقبل انقلابی تداوم می‌بخشد و به این گروه‌های مردم کم می‌کنند، تا برنامه سیاسی سوسیالیستی را پذیرند و فعالانه در ساختمان سوسیالیسم شرکت کنند.

برخی از کشورهای سوسیالیستی دارای احزابی هستند که معتقدان مذهبی را بر محور خود متحد می‌کنند. از آن جمله اند اتحادیه دمکراتیک مسیحیان آلمان، حزب خلق چکسلواکی. احزاب مزبور اعضای خود را به شرکت فعال در انجام وظایف اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک، که مربوط به ساختن و پیش بردن سوسیالیسم است فرامی‌خوانند.

در چکسلواکی کشوری که دو خلق برادر (چک‌ها و اسلواک‌ها) را در خود جای داده است، ساختار سیاسی جامعه ویژگی‌های خاص خود را دارد. از حیث تاریخی تمامی احزاب غیر کمونیست در بوهمیا (Bohemia) و اسلواکیا (Slovakia) فعالیت می‌کردند. این امر تا حدودی عینی به ترکیب ملی جمعیت و گرایشهای نسبتاً قوی شوونیستی رهبری احزاب بورژوازی چک و اسلواکیسم بخش‌های فوقانی بورژوازی اسلواک مربوط بود. هنگامیکه حاکمیت مردم آغاز شد، مناسبات ملی در جمهوری بنحوی موفقیت آمیز بر پایه اصول انترناسیونالیسم پروولتری کامل یافت، لکن تقسیمات منطقه‌ای احزاب غیر کمونیست موجود به همان ترتیب باقی ماند.

ایجاد و حفظ احزاب سیاسی غیر کمونیست در سوسیالیسم می‌تواند علت‌های دیگری نیز داشته باشد. فی المثل در آلمان دمکراتیک در سال ۱۹۴۸ حزب دمکراتیک ملی با اعتقاد به جذب سربازان و برخی افسران و رماخت (Wehrmacht) (شهیتری) کارمندان دستگاه‌های اداری پیشین و اعضای دون پایه حزب نازی و بمنظور بنای آلمان نوین تشکیل شد. این حزب به طرق گوناگون به اعضای خود کمک کرد تا غبار گذشته را از تن بزدایند و تدریجاً خود را با موقعیت سوسیالیستی تطبیق دهند و جای مناسب خویش را در دولت خلق بیابند. حزب دمکراتیک ملی سرانجام نمایندگان خرده بورژوازی شهری و صنعتگران را در صفوف خود جای داد.

## سنت‌های تاریخی و وضع جدید

سنت‌های تاریخی تأثیر خود را بر تشکیل سیستم سیاسی چند حزبی در پاره‌ای از کشورهای سوسیالیستی بخشیده است. تعدادی از احزاب دمکراتیک ملی غیر پروولتری موجود

در کشورهای سوسیالیستی در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم پایه گذاری شدند. تداوم سنت‌های مترقی و انقلابی این احزاب طبیعتاً بر شکل گیری سیستم سیاسی در جامعه نوین تأثیر نهاد.

سیستم چندحزبی عموماً در کشورهای وجود دارد که پیش از انقلاب نیز این سیستم در ازمنه طولانی در عرصه حیات سیاسی آنها وجود داشته است، چکسلواکی، لهستان و بلغارستان از جمله این کشورها هستند. در ذهن بخش‌های وسیعی از مردم، وجود بسیاری از احزاب مربوط به دوران حدنهایی پیشرفت دمکراسی بورژوازی بوده است، در عین حال که هنگام تسلط فاشیسم و ارتجاع، آنها شاهد بودند که چگونه آزادی‌ها برای کمونیست‌ها و حتی برای بسیاری از احزاب بورژوازی محدود شد و یا بکلی از بین رفت. بقدرت رسیدن فاشیست‌ها در آلمان به سیستم چندحزبی در جمهوری ویمار (Weimar) خاتمه داد. در چکسلواکی فرور بختن رژیم ماقبل سوسیالیستی، منجر به ادغام احزاب بورژوازی در یک حزب فوق ارتجاعی بنام "حزب اتحاد ملی" شد.

جنبه‌های مثبت سیستم چند حزبی طی ساختمان سوسیالیسم، در آن دسته از کشورهای که احزاب غیر پروولتری آنها بر نفوذ افکار بورژوازی غلبه کردند و به ساختمان جامعه نوین پیوستند، بخوبی بارز بود. این احزاب با جای داشتن در جنبه متحد و شرکت دادن نمایندگان خود در دولت سهم خود را در انجام تحولات اجتماعی بنیادی داد کردند. احزاب غیر پروولتری بخش‌های وسیعی از صنعتگران، جمله دهقانان، روشنفکران، صنعتگران و غیره را در امر ساختمان سوسیالیسم بسیج می‌کنند. در پاره‌ای موارد احزاب غیر پروولتری به جویان نگاه نیروهای راستگرای که در صدد احیای سرمایه داری بودند، تبدیل شدند و بصورت سازمان‌های ضد انقلابی درآمدند و به نظر به سیستم چند حزبی جهت ارتجاعی دادند. در برخی کشورهای سیستم چندحزبی جای خود را به سیستم تک حزبی داد، زیرا ادامه موجودیت سیستم چندحزبی در جهت مخالف منافع طبقه کارگر می‌کرد.

بر خلاف ادعای مخالفان ایدئولوژیک و سیاسی سوسیالیسم، کمونیست‌های لنینیست روسیه بر این اعتقاد بودند که شرکت احزاب و گروه‌های خرده بورژوازی دمکرات در زندگی اجتماعی کشور، و به ویژه در دستگاه دولتی، نه تنها امکان پذیر، بلکه امری مطلوب است، مشروط بر اینکه این دمکرات‌ها تحولات انقلابی و سیستم سیاسی شوروی را برسمیت بشناسند. تاریخ اتحاد شوروی شاهد تشکیل یک بلوک چندحزبی است. در مارس ۱۹۱۸ اتحاد کمونیست‌های لنینیست و سوسیال رولوسیونرها، انقلابی، همکاری گسترده دهقانان و طبقه کارگر را باعث شد این بلوک از سوی سوسیال رولوسیونرها که دست به مبارزه‌ای شدید علیه دولت شوروی زدند، از میان رفت. این امر کنگره پنجم شوراهای سراسری روسیه را وادار به اتخاذ تصمیمی کرد که در روند اجرای آن، همه سوسیال رولوسیونرها، چپ، که در توطئه‌ها شرکت داشتند و از سیاست ضد شوروی رهبری خود حمایت می‌کردند، از شوراهای اخراج شدند. بدین ترتیب استقرار سیستم تک حزبی ناشی از شرایط تاریخی و ویژه حاکم بر کشور بود.

## همکاری سیاسی در

### سوسیالیسم

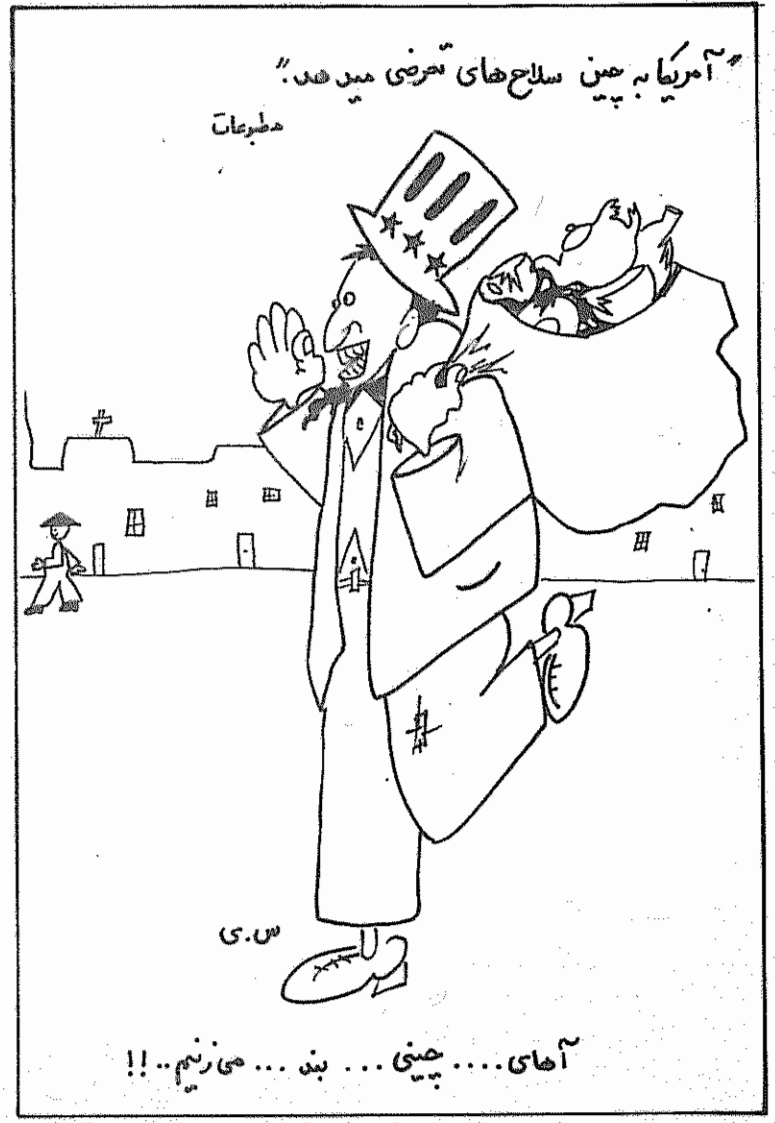
مسئله بر اهمیت پیشرفت احزاب

معتقدان به مذهب در برخی از کشورهای سوسیالیستی، در احزاب خاص خود متحد میشوند. رهبری حزب طبقه کارگر در این کشورها، بمعنی از میان رفتن استقلال احزاب دیگر نیست.

غیر پروولتری، همانا قبول نقش پیشواز احزاب کمونیست و کارگری در ساختمان سوسیالیسم از سوی این احزاب است. این امر نتیجه منطقی پیشرفت اجتماعی و سیاسی این احزاب است، زیرا آنها با استفاده از تجربه خود دریافتند که فقط کمونیست‌ها دارای برنامه‌های بر پایه علمی برای ساختمان جامعه نوین هستند. جامعه‌های که کاملاً با منافع اساسی طبقه کارگر مطابقت دارد. این احزاب دریافتند که کمونیست‌ها پیش از طبقه کارگر، این مترقی ترین، آگاهترین و سازمان یافته ترین طبقه جامعه نوین هستند و کمونیست‌ها در نظر دارند، که اتحاد طبقاتی وسیعی بوجود آورند و همه بخش‌های مردم زحمتکش را در ساختمان سوسیالیسم شرکت دهند. برسمیت شناختن نقش هدایت کننده احزاب کمونیست و کارگری به این معنی نیست که سایر احزاب سیاسی استقلال خود را از دست بدهند. در چارچوب اتحاد احزاب، هر یک از آنها هم‌مضمون مشخص فعالیت و شیوه‌های خود را خواهد داشت. متضاداً کمونیست‌ها پیگیرانه سیاست همکاری با سایر احزاب را دنبال می‌کنند و به هر طریقی بر ضرورت و اهمیت تقویت فعالیت مشترک‌های می‌فشارند.

در جریان ساختمان سوسیالیسم راه‌هایی برای همکاری کمونیست‌ها با سایر احزاب و نیز شرکت این احزاب در اداره امور جامعه بدست آمد. در آن کشورهای سوسیالیستی، که سیستم چند حزبی دارند، همه احزاب سیاسی و سایر سازمان‌های سیاسی اعضای یک انجمن اجتماعی سیاسی توده‌ای و یا نوعی جنبه ملی هستند. بعلاوه، در برخی از کشورها اشکال دیگری از وحدت و هماهنگی بین احزاب وجود دارد. بطور نمونه در لهستان کمیسیون‌های توافق بوجود آمده است. کنفرانس‌ها و مباحثات مشترک تشکیل می‌شود و هیئت‌های نمایندگی احزاب به شرکت در کنگره‌های یکدیگر دعوت می‌شوند. موارد دیگری نیز وجود دارد که چند حزب تصمیمات مشترکی را به تصویب می‌رسانند. نمایندگان سایر احزاب سیاسی، در کنار کمونیست‌ها، به ارگان‌های محلی و دولتی در سطوح بالاتر وارد می‌شوند و در دولت اداره امور اجرایی مملکت شرکت می‌کنند. تاریخ نشان می‌دهد که نیروهای متخاصم با سوسیالیسم، از هیچ تلاشی برای از هم پاشیدن بنیان‌های سیستم چندحزبی در کشورهای سوسیالیستی فروگذار نمی‌کنند. یکی از دلایل این مدعا، شورش‌های ضد انقلابی مجارستان در ۱۹۵۶ (و اینک بحران سیاسی و تفرقه افکنی در لهستان) است. در آن هنگام نیروهای راست در صدد احیای احزاب بورژوازی برآمدند و کوشیدند تا احزاب جدیدی تشکیل دهند. سازمان دهندگان توطئه ضد سوسیالیستی چکسلواکی در ۱۹۶۸ نقش مهمی را به دمکراسی بورژوازی اختصاص دادند، که هدف از تجدید آن، ایجاد نیروی سیاسی مستقل برای مخالفت کردن با حزب کمونیست بود. عناصر راستگرای کوشیدند تا حزب کمونیست را از ایفای نقش رهبری کنند. آنها در جامعه باز دارند و ائتلاف‌های پارلمان‌نظامی را احیا کنند و سیاستی باهدف تجدید نظم ماقبل مونیخ در پیش گیرند. شکست نیروهای ضد انقلابی این توطئه‌ها را عقیم گذاشت. ستیزه جویان ایدئولوژیک و سیاسی با سوسیالیسم مجدانه در تلاشند، تا ثابت کنند که سیستم چند حزبی تنها هنگامی بکار می‌رود که احزاب، به احزاب حاکم و اپوزیسیون تقسیم شوند و در مبارزه بر سر قدرت به سر و کول یکدیگر بزنند. به دیگر سخن، آنها معیار دمکراسی در یک

بقیه در صفحه ۶



در اهواز:

در قلب نبرد علیه تجاوزگران آمریکائی - صدامی جشن اول ماهمه باشکوه هر چه تمام تر برگزار شد

در بزرگداشت روز اول ماهمه در اهواز: کارگران وزحمتکشان، امریکای جنایتکار و عمال داخلی او را محکوم کردند.



کنندگان در راهپیمایی طنین برمی دارد و تادوردست شهر، آنجا که صدامیان تجاوزکار زانو به زمین گذاشته اند، فرو می گوید:

"کارگران ایوان پیروان امامند علیه امپریالیسم آماده قیامند" صف راهپیمایان به آستانه خیابان طالقانی می رسد، خم برمی دارد و به تمامی خیابان دکتر شریعتی (سی منتری) سرریز می کند. اینجا، رودرروی ویرانه های بجا مانده از یکی از حمله های نا جوانمردانه موشکی قرار می گیرد. در جایی از حریم این ویرانگی، که باسیم خاردار از خیابان جدا شده، این مترسک عمو سام است که از گلو به مدار کشیده شده است. موج خشم و تاتر به چشم های ریزد و باز زبان فریاد از دهان ها بیرون می تابد: "مرگ بر آمریکا! مرگ بر آمریکا!" در آهنگ مانوس این واژه ها گام ها را سخته می شود و جانی تازه می گیرد. جلو، درپیشا پیش صفوف، مشت مصمم نفتگر قهرمان همچنان برکله "عموسام" فرومی گوید. امروز کارگران وزحمتکشان ایران، بیش از هر روز دیگری دشمن خود را می شناسند و با توطئه های ددمنشانه رنگارنگ او آشنا هستند. در طول خیابان "دکتر شریعتی"، در هر فریادی، رایحه این بلوغ و بالندگی گسترده می شود و طنین زنگدار زنان، که یک زبان واژه ها را کامل می کنند:

"کشاورز!" "کارگران، کارگران، بازوی انقلابند مخالف توطئه و اخلاص و اعتصابند" "قانون کار طاغوت نابود باید گردد."

صفوف راهپیمایان خیابان "دکتر شریعتی" را در رنگارنگی پلاکاردها و پیراهن ها طی می کند و دانه های جدا مانده را در پیاده روی، تکیه داده به دیوار، در خود فرامی خواند. جلودر ورودی "پارک شماره ۵" (پایان راهپیمایی) شور و ولوله این کندوی گام و بازو به اوج می رسد. "عمو سام" زیر مشت های توانمند نفتگر خم می شود و فرومی افتد وزیر گام ها له می شود: "مرگ بر آمریکا!"

مردم قهرمان وزحمتکش اهواز، یازدهم اردیبهشت ماه جاری، اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران وزحمتکشان جهان را، با شکوه تمام برگزار کردند.

در مراسم راهپیمایی که از جانب "ستاد بزرگداشت روز جهانی کارگر" رهبری می شد، کارگران موسسات مختلف صنعتی اهواز، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی حفاری، مجتمع فولاد اهواز، نیروگاه برق رامین، نورد و دیگر مراکز صنعتی اهواز شرکت داشتند.

باینکه آغاز راهپیمایی ساعت ۹ صبح اعلام شده بود، اما همان نخستین ساعات روز، گروه های مختلف مردم در محل شروع راهپیمایی گرد آمدند. گل لبخند بر لبها نشسته بود و بازوهای ایثارگر، عطر سخاوت می تراوید. مردم بر گرداگرد این جان های شریف و زحمتکش حلقه زده بودند، تاد بزرگداشت روز جهانی کارگر، بار دیگر وفاداری خود را به آرمان های انقلاب و تنفرشان را به دشمن غدار و سینه گز، امپریالیسم آمریکا ابراز دارند. عده ای این روز جهانی را بهم تبریک می گفتند، بعضی آمریکا و صدام جنایتکار را لعن و نفرین می کردند و گروهی با شورو هیجان پلاکاردها و شعارها را، واژه واژه می خواندند.

"روز جهانی کارگران را به خانواده شهدا، که جان خود را نثار انقلاب می کنند، تبریک می گوئیم."

در جلو صف راهپیمایان، تصویر ۲۲ تن از کارگران شهید جنگ تحمیلی صدام - آمریکا بر پارچه سفیدی آذین بسته و تمامی وسعت خیابان را در پهنه سپید خود جای داده است.

کارگران در جای جای این انبوهه مصمم مشت و اراده و اندیشه، سینه به جلو داده و همدوش با سایر قشار زحمتکش آماده برای راهپیمایی شدند. صدای از بلندگو آغاز راهپیمایی را اعلام می دارد و مردم زن و مرد، جان های تنیده و خلاق، در صفوف طولانی متشکل و فشرده می شوند و مصمم و بی هراس تنگاتنگ یکدیگر جای می گیرند. عطر نفس ها در خیابان می پیچد، غبار رقیق معلق هوا را می شکافد و بر شهر نور و امید می پاشد. اگر چه شهر بر جای جای چهره اش زخم جنگ دارد، اگر چه برام فروریخته ای یا هر دیوارها و ارشستهای حکایت از ددمنشی و تبهکاری دارودسته جنایتکار صدام - آمریکا را دارد، اما امروز، در حضور شورانگیز کارگران وزحمتکشان، اراده استوار مبارزه و سازندگی در نگاهها و دهان ها، یکپارچه فریاد می شود.

ابتدا از بلندگو مختصری از تاریخ مبارزه کارگران وزحمتکشان جهان و پیدایش روز اول ماه مه صحبت می شود، سپس خاطره جان بازی و فداکاری کارگران قهرمان "جهان چیت"، در دوران سیاه استبداد سلطنتی، زنده می شود، و آنگاه صف راهپیمایان به حرکت درمی آید. در پیشاپیش صفوف، بالا، فراز تراز هردستی، این چهره رنج دیده و نگاه نافذ نفتگری است که در یکدست بازار کارش رامی فشرد و با مشت دست دیگر بر کله "عموسام" فرومی گوید. این نمایش و کارناوال نیست، واقعیتی است که جاندار و سرسخت، با این فصل از تاریخ مبارزات مردم قهرمان میهن ما آمیخته شده است. واژه ها در فریاد تند آسای شرکت

ریشه یابی مشکلات واحدهای تولیدی

کارخانه ونک کرج فاقد مدیریت انقلابی است

معرفی

کارخانه ونک کرج (سازنده تجهیزات ایمنی راهها) در شیخ آباد کرج قرار دارد و از اولین کارخانه های است که در ایران به کمک اتحاد شوروی دایر شده است.

در این واحد تولیدی حدود سیصد کارگر و کارمند کار میکنند. قسمت های مختلف آن عبارتند از: مکانیکی، گابون سازی، لاستیک سازی، نقاشی، نجاری، ریخته گری، تراشکاری، قالب سازی، انبار محصول، انبار ابزار، انبار مرکزی، کارگاه فلزکاری سبک و سنگین، کارگاه برق، پرسکاری، تزییق پلاستیک و علائم سازی. همچنین دستگاه های اداری آن عبارتند از: قسمت های نقشه کشی، حسابداری، امور اداری، امور مالی، آمار و ...

در حال حاضر این کارخانه بطور عمده نیازمندی های وزارت راه را تامین می کند، ناگفته نماند که در تمام کارگاه ها دستگاه های مدرن و مجهز نصب شده است.

جو عمومی کارخانه

جو عمومی کارخانه متشنج است. بطور کلی ضد انقلاب در کارخانه بیکار

سیستم اتوماتیک رکوره کوپل مجهز شده است، هنوز ناتمام و ناقص است و اقدام قاطع و مستمر برای برآورداندازی این واحد عظیم صورت نمی گیرد. در حالی که این واحد باید کارافتادن می تواند بهترین تولیدات چدنی، برنجی سربی و آلیاژی ظرفی را عرضه کند. این نمونه فقط از یک کارگاه کارخانه ونک است که نشان دهنده پائین بودن تولید کارخانه است. دلایل آن عبارتند از:

نبودن شورای واقعی و سندی کارگران،

نداشتن یک برنامه صحیح و اصولی در جهت انقلاب و دستاورد های آن،

نداشتن مدیریت انقلابی، نداشتن متخصص برای راه - اندازی دستگاه ها،

نداشتن کنترل بر روی کارگران؛ طبق آمار موجود، کارخانه سالانه مبلغ صدالی صد و هفتاد میلیون ریال ضرر میدهد.

یکی از مشکلات کارخانه نداشتن یک مدیر آگاه و انقلابی است:

حفظ آرامش در محیط کارگری با کمک خود کارگران و برخورد اصولی و انقلابی مدیریت ممکن است!

مدیریت

(هیئت مدیره)

قبل از همه، به کار انداختن هر چه سریعتر تمام دستگاه های کارخانه و بالا بردن ظرفیت آن تا مرز کامل تولید از وظایف مدیریت است. از نظر محصول کارخانه، در مورد کیفیت آن و همچنین از بین بردن نقائص فنی و تکنیکی و خلاصه امور اقتصادی و مالی و نظم تولیدی ... در مجموع هیئت مدیره پاسخگوی این گونه مسائل است. این امر که در کارخانه شورا و انجمن اسلامی وجود دارد، از مسئولیت آنان نمی کاهد.

مدیریت دوران پس از انقلاب با مدیریت دوران طاغوت، از زمین تا آسمان فرق دارد. مدیریت طاغوت کارگران را به هیچ می گرفت و برای آنها کمترین ارزشی قائل نبود و کارخانه را با سربازخانه اشتباه می گرفت و دنبال استقرار نظم پلیسی - ساواکی به جای انضباط آگاهانه کارگران و کارمندان بود.

مسئولان امر باید به رفع نا - رسانی های موجود در کارخانه بپردازند. یکی از مسائلی که باید فوریت مورد توجه قرار گیرد، خارج کردن کارخانه از جو متشنج فعلی است، که بسوسله عناصر ضد انقلاب و برخی از مسئولین کارخانه به آن دامن زده می شود. باید این افراد را از محیط کارخانه دور کرد، تا بیش از این به بلوا و آشوب دامن نزنند.

مسئله دیگر اینکه مدیریت فعلی کارخانه پاسخگوی نیازهای کارگران نیست و وظایف خود را خوب انجام نمی دهد، باید یک مدیریت انقلابی جایگزین مدیریت فعلی شود.

ننشسته است و سلاح تحریک و ایجاد توطئه علیه انقلاب رازمین نمی گذارد عناصری با حادثه آفرینی در کارخانه، با نبرداختن حقوق قانونی کارگران و با تهمت دزدی زدن به کارگران از سوئی، از سوی دیگر با عنوان کردن پرداخت وام به کارگران و نپرداختن آن و یا تحریک کارگران علیه جهاد سازندگی کارخانه، تحت این عنوان که اگر مدیریت کارخانه از طرف جهاد باشد، همه از مزایای کارگری محروم خواهند ماند و از این قبیل، در امر تولید اخلاص می کنند. آنها ابتدا کارگران را عصبانی میکنند سپس آنان را به اعتصاب و بلوا و آشوب می کشانند، تا نیت ضد - انقلابی خود را برآورده سازند.

کارگران در تاریخ ۵۹/۱۱/۲ نسبت به وقایعی که در کارخانه می گذرد، به کارکنان و مسئولان این واحد چنین هشدار دادند:

"میهن انقلابی ما شرایط بسیار حساس و دشواری را می گذراند. در شرایط کنونی که در محاصره اقتصادی امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، هستیم و در شرایطی که هم - زمان ما در جبهه های جنوب و غرب کشور با مزدوران یعنی عراق و در واقع با امپریالیسم آمریکا در حال جنگ هستیم، باید از ایجاد هرگونه تشنج، که پشت جبهه را به سود امپریالیسم تضعیف میکند، برحذر باشیم. باید کوشش کنیم که حقوق خود را فقط از راه مذاکره و بدون درگیری و ایجاد تشنج و بدون توسل به تحصن و اعتصاب به دست آوریم. نه تنها باید از ایجاد تشنج در کارخانه جلوگیری کنیم، بلکه علیرغم خواست ضد انقلاب، باید در برابر بردن سطح تولید کوشا باشیم.

مسئولان امور باید متوجه باشند که بیش از پیش در فکر برآوردن خواست های قانونی و مشروع کارکنان این کارخانه باشند، تا بهانه بدست عناصر ضد انقلاب و توطئه گر ندهند."

وضع تولید:

برای نمونه کارگاه ریخته گری را مثال می زنیم. با آنکه این کارگاه به

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن

و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

# در انتظار آنکه دادگاه انقلاب اسلامی ورامین در خدمت مستضعفین باشد!

دهقانان روستای فیلستان ورامین ( ۱۰ کیلومتری جاده تهران- ورامین ) با مشکل زمین و در این ارتباط، با اعمال نفوذ افرادی در دادگاه انقلاب اسلامی ورامین، که به سود بزرگ مالکان رای داده اند، روبرو هستند. ابتدا با درج نامه دهقانان به ستاد مرکزی هیئت هفت نفری ورامین، سپس با توضیح بیشتر به گم و کیف مشکلات این روستاییان زحمتکش، پی میبریم.

نخست نامه خود دهقانان:

"ستاد مرکزی هیئت واگذاری زمین محترما به عرض می رساند همانگونه که اطلاع دارید بر اثر اختلافی که بین زارعین و فئودال های قریه فیلستان بود بر اساس حکمی که از طرف هیئت هفت نفره شهرستان ورامین صادر گردید عنوان شد که زارعین می توانند به صورت نصفه کاری زمین مزروعی را که در آن قریه و متعلق به مالکین می باشد کشت کنند. مردم وارد عملیات اولیه می شوند با آن ها صحبت می شود توافق نمی شود. از طرف مقامات دادگاه به آن ها گفته می شود که باید از زمین بیرون روید. نمایندگان زارعین با ذکر دلایلی امتناع می ورزند و تصمیم دادگاه باعث دستگیری نمایندگان و بازداشت آن ها می شود. فردای آن روز زارعین دیگر و زن و فرزندان افراد دستگیر شده در جلوی دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان ورامین حاضر می شوند. مقامات دادگاه طبق معمول مردم را تهدید می کنند. دوباره با تنی چند از زارعین و نمایندگان آن ها به گفتگو می نشینند و در جلسه مشترک در دادگاه بین اربابان و نمایندگان مقامات دادگاه کاری از پیش نمی رود. در همین حین با افراد بیرون دادگاه نیز از خود خشونت به خرج می دهند و حتی فحش نیز در این میان شنیده می شود و یکی از افرادی که با زارعین بود به داخل دادگاه کشیده می شود و او را به عنوان این که به دادستان اعتراض کرده که چرا فحش می دهی به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم می کنند و این حکم نیز اجرا می شود و بقیه را نیز با قنای تفنگ و زدن به داخل ماشین می کشانند."

دهقانان در پایان این نامه برسد هاند که: آیا افراد و از جمله رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ورامین می توانند برخلاف قانون اساسی رفتار و قانون را جرح و تعدیل کنند؟ اینک ببینیم اختلاف بین بزرگ مالکان و دهقانان زحمتکش چه بوده و علت وقوع این حوادث کدام است؟ در رژیم منور گذشته، از ۱۲۰۰ هکتار اراضی حاصلخیز روستا تنها ۴۲۴ هکتار، طبق نسق زراعی، بین ۱۱۲ نفر از کشاورزان تقسیم شد، به طوری که به هر کدام حداقل ۱/۸ و حداکثر ۸ هکتار زمین رسید. در سال ۱۳۵۲، ۸۰۰ هکتار زمین

باقی مانده، از سوی "مالک" اولیه به سه نفر از جمله یک روحانی نما فروخته می شود. روحانی نمای بزرگ مالک اخیر، در آغاز سال ۵۹، با وجود قانون منع فروش زمین های زراعی، ۱۸۰ هکتار از ۳۰۰ هکتار زمین خود را به شرکت کشت و صنعت تکوشیر می فروشد. روستاییان از این بابت شکایت می کنند، لیکن به نتیجه نمی رسند.

پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی، ۱۰۰ نفر از کشاورزان بی زمین و کم زمین و جوانان بیکار ده شرکت تعاونی تولید تشکیل می دهند و دوباره شرکت مذکور علیه بزرگ مالک، که مبادرت به فروش غیر قانونی اراضی کرده بود، شکایت می کنند. هیئت واگذاری زمین حکمی به تاریخ ۵۹/۷/۲۲ صادر و به کشاورزان شاکي اجازه کشت اراضی بزرگ مالکان را می دهد. دهقانان نیز ۴۰ هکتار اراضی بزرگ مالک را به زیر کشت می برند.

به دنبال این عمل، بزرگ مالکان شکایت می کنند. متأسفانه در این مرحله رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ورامین و حاکم شرع دادگاه، از بزرگ مالکان پشتیبانی می کنند و ضمن صدور حکم تعطیل هیئت هفت نفری، سه نفر از نمایندگان کشاورزان را زندانی می کنند، که سه روز بعد آزاد می شوند. همچنین کشاورزانی که در دادگاه اجتماع کرده بودند، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند و یکی از اهالی نیز به صد ضربه شلاق محکوم می شود و ۵۰ ضربه شلاق به وی می زنند. پس از این وقایع، متأسفانه حاکم شرع دادگاه در تاریخ ۵۹/۷/۳۱ در مسجد ده، ضمن سخنرانی از منافع بزرگ مالکان جانب داری می کند. این عمل در شورش انقلابی روستاییان خلل وارد می کند و موجب نومیدی آنان می شود.

آنچه که در روستای فیلستان رخ داده، نه اولین و نه آخرین نمونه از عملکرد نادرست برخی از مسئولان در نهادهای انقلابی است، که به این نهادها ضربه و لطمه جدی می زند. به منظور جلوگیری از این گونه اتفاقات، که به زیان انقلاب شکوهمندمان و نظام جمهوری اسلامی ایران تمام می شود، باید در وهله نخست، قانون اصلاحات ارضی بطور کامل و فوری به اجرا درآید.

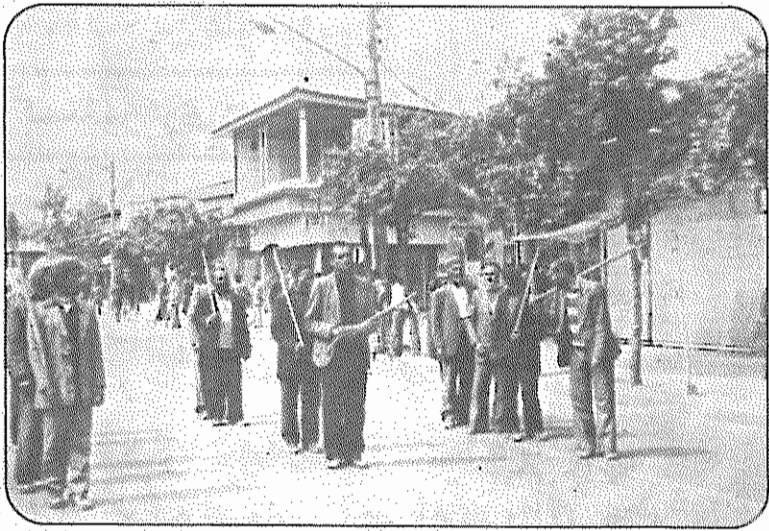
در دادگاه های انقلاب نیز، که یکی از نهادهای جوشیده از انقلاب ماست، باید تمام مسئولان مجری وظایفی باشند که انقلاب تعیین کرده است. مسئولان موظفند در جهت تحقق اهداف انقلاب، یعنی دفاع از منافع کوخ نشینان در برابر کاخ نشینان، تلاش کنند، که البته اکثر دادگاه های انقلاب بر این امر واقف هستند و به آن عمل می کنند و جا دارد که در این عرصه حیاتی هیچ استثنایی وجود نداشته باشد. (فتوکی نامه دهقانان، احکام دادگاه انقلاب و صورت جلسه مجتمع کشاورزی فیلستان به جراید فرستاده شده است)

## با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی، شر فئودالها و بزرگ مالکان را از سر دهقانان «باغان» کم کنید

باغان، نام دهی است در ۸ کیلومتری شهرستان سبزوار. این روستا حدود ۱۰۰ خانوار را در خود جای داده است. روستاییان باغان از نبودن امکانات معیشتی مانند: برق، آب لوله کشی، شرکت تعاونی و غیره در مضیقه اند. تقریباً "همه آب زمین های ده و اطراف آن (یک رشته قنات و ۶ حلقه چاه نیمه عمیق) متعلق به فئودال های است که خود در شهر سکونت

دارند و فقط برای دریافت عواید "ملکشان" به ده می آیند. از حدود ۱۰۰ خانوار جمعیت روستا نزدیک به ۳۰ خانوار روی زمین های اندک خود و ۴۰ خانوار هم بر روی زمین های اربابی کار می کنند و بقیه (۴۰ خانوار) از طریق کاری در شهر زندگی مشقت باری را می گذرانند. یکی از دهقانان این روستا می گفت: "ما امروز روشنیم و نسبت به

## روستائیان اطراف بابل در جشن اول ماه مه



از اولین ساعات روز اول ماه مه زحمتکشان و دهقانان بابل و روستاهای توابع به سوی شهر آمدند. آن ها، در حالی که به وسایل و ابزار شخم مجهز بودند، در شهر به تظاهرات پرداختند و عزم راسخ خود را برای حضور در عرصه کارزار علیه امپریالیسم و بزرگ مالکان غارتگر که مسبب بدبختی های آن ها هستند، اعلام کردند.

تظاهرات کنندگان خواستار اجرای فوری بند "ج" و قانون اصلاحات ارضی شدند. در یلاکاری که زحمتکشان و دهقانان حمل می کردند، علاوه بر بزرگ داشتن روز کارگر، عید همه زحمتکشان، آمادگی خود را جهت هر گونه جانمایی در جبهه های جنگ علیه صدام اعلام کردند.

## روستائیان زحمتکش، در جشن اول ماه مه، یکبار دیگر با کارگران اعلام همبستگی کردند



روستاییان روستاهای اطراف تهران و شهری، به مناسبت اول ماه مه در روز ۱۱ اردیبهشت ۶۰ همبستگی خود را با طبقه کارگر اعلام کردند. دهقانان و اهالی روستاهای مختلف میهمان بیوند ناگسستی خود را با طبقه کارگر ایران و همه زحمتکشان جهان به اثبات رساندند، روستاییان اطراف تهران و شهری، هم با شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر و هم - چنین با برپایی نمایشگاهها و نصب تراکت ها و پلاکاردهای متعدد در ارتباط با این روز، در روستاهای خود، شادی خویش را در عید زحمتکشان نشان دادند. از جمله در روستاهای گلدسته، دهخیر، قوچ حصار، سلمبر، کهریزک، محمودآباد، درسون آباد، محمدآباد و ... شعارها و نمایشگاهها بر دیوارهای ده دیده می شد. عده ای از دهقانان و اهالی روستای گلدسته و هم چنین اتحادیه دهقانان محمودآباد در جشن انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارخانجات تهران و حومه نیز شرکت

کردند. عکسی که در این صفحه می بینید در جریان این جشن رزمی برداشته شده است. دهقانان نیروی عظیم و زحمتکشی در کشور ما هستند، که تنها در اتحاد با طبقه کارگر و به اتفاق سایر زحمتکشان

و انقلابیون می توانند انقلاب را حفاظت کنند و با تعمیق آن راه را برای تحقق حقوق خود بگشایند. دهقانان به ضرورت و اهمیت این اتحاد واقفند و در راه تحکیم آن می کوشند.

## خواست اساسی دهقانان «تل بیضا» تقسیم زمین های وسیع بزرگ مالک است

نماینده بخش بنزین و دبیر دبیرستان نیز هست. خواست دهقانان تل بیضا در مورد واگذاری زمین های مالک روستا طبق قانون مصوبه بجاست. قانون اصلاحات ارضی و به ویژه بند "ج" و "د" این قانون را باید هر چه زودتر به اجرا گذاشت.

شورای دهیک نها دانقلابی مدافع منافع دهقانان زحمتکش و مظهر قدرت حکومت انقلابی درده است نمی تواند، آن طور که در این روستاست، نقش "میانجی" میان دهقانان و بزرگ مالکان را ایفا کند. سایر نهادهای انقلابی و هم چنین اهالی روستا باید به این مسئله توجه داشته باشند. نمایندگان شورا باید از میان دهقانان تپی دست و سایر دهقانان انقلابی و زحمتکشان همین روستا انتخاب شده باشند، تا بتوانند مردمی کار کنند و به نفع دهقانان تپی دستور راستای انقلاب گام بردارند.

نقش "میانجی" بین مالک و دهقانان را ایفا کند. به همین جهت اهالی از شورای روستای خود اصلاحات را نمی بینند. نحوه کشت "نصفه کاری" است: بذر و کود و خیش به عهده مالک است و کار و زحمت به عهده دهقانان. دهقانان می خواهند زمین های مالک به آنان واگذار شود، تا دیگر زیر ظلم و زورگویی مالک نباشند. اهالی معتقدند که اگر این منطقه از زیر پوشش اردکان خارج شود، برخی مشکلات آنان نظیر تقسیم عادلانه بودجه، آبادانی و عمران حل خواهد شد. به علت نبودن راهها و جاده های سالم، محصولات کشاورزی و میوه جات، به موقع به بازارهای شهر نمی رسد و قیمت آن افت می کند. منطقه بیضا، با کمبود امکانات درمانی، دارو و پزشک روبرو است. پزشک منطقه در عین حال نماینده فرماندار، نماینده بخش سیما،

منطقه بیضا در ۱۰۰ کیلومتری شیراز واقع شده است و مستلزم ۸۵ پارچه آبادی است. وضع راه های این منطقه خراب است و برق نیز وجود ندارد، اما قرار است به زودی به این مسائل رسیدگی شود. تل بیضا، یکی از روستاهای مهم منطقه بیضا است. از ۱۳۰ خانوار، ۵۰ خانوار را خوش نشینان تشکیل می دهند. بزرگ مالک این روستا، که حدود ۴۰۰ هکتار زمین دارد و در روستاهای دیگر و شیراز نیز صاحب زمین و مستغلات فراوانی است، توانسته است با تزویر خود را به نهادهای انقلابی و از جمله کمیته مهدیه شیراز نزدیک کند.

اهالی تل بیضا، بعد از پیروزی انقلاب، به فرمان امام خمینی عمل کردند و همه زمین ها را به زیر کشت بردند. شورائی مرکب از ۴ نفر تشکیل شد، اما شورا بیشتر جانب مالکان بزرگ را می گیرد تا روستاییان، و گاه می کوشد

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگت نمیشود. مسالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.

این جا نیز دهقانان زحمتکش و ستم دیده در انتظار اجرای کامل طرح واگذاری زمین هستند. آن ها امیدوارند که با قطع ید از مالکین بزرگ، خون تازه انقلاب به روستای آن ها نیز جاری شود. این خواست برحق میلیون ها دهقان ستم دیده و ضرورت مبرم انقلاب است و باید اجرا شود.

عمل دولت قضاوت می کنیم. البته جنگ است و مشکلات فراوان و ما هم حاضریم کشت کنیم و جهاد کنیم، ولی آن آقای مالک که در شهر است، دلش به حال ما نسوخته و به فکر مشکلات ما نیست. ما از حکومت اسلامی و از آقا توقع داریم که دست این مالک ها را از این جا ببردند، تا ما هم با پشت گرمی بتوانیم کشور را از وابستگی نجات دهیم.

### از گزارش هیئت سیاسی

### به هفدهمین پلنوم (وسیع)

### کمیته مرکزی حزب توده ایران:

# نیروهای جبهه سازش و تسلیم

## در جبهه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

### وضع در میدان نیرو انقلابی در لحظه کنونی

از لحاظ طبقاتی سرمایه داری لیبرال و روشنفکران و کارمندان مرفه و ممتاز جامعه "آریامری" و از لحاظ سیاسی تقریباً همه غرب زدگان جامعه که مسکن برایشان جز میدان درآمدی های کلانی باهدف خراج کردن آن در باریس و لندن و واشنگتن مهبومی ندارد، در این جبهه گرد آمده اند. هدف نهائی این نیروها با هدف نیروهای جبهه "براندازی عینا یکی نیست. اینها خواستار احیاء نظام "آریامری" در همه ابعادش نیستند. آرزو و تلاشی این نیروها این است که نیروهای ایدئیکال بگیرند امپریالیست و خلقی را از حاکمیت دولتی برکنار کنند و با امپریالیست ها به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، در چهارچوب تضمین منافع حیاتی امپریالیسم یعنی نگهداری نظام سرمایه داری وابسته دنیای امپریالیستی در ایران، ادامه وابستگی نظامی ایران به آمریکا و غرب، اتحاد یک سیاست آشکار و روشن کمونیسم ستیزی در داخل، نوری - ستیزی، همکاری با دیگر کشور - های ارتجاعی منطقه، خودداری از همکاری با کشورهای مترقی عرب و جهان، خودداری از پشتیبانی از جنبش های رهائی بخش ملی و بویژه جنبش خلق فلسطین، کنار آیند. خلاصه آرزوی این نیروها عبارت است از تحمیل یک راه حل شبه ترکیه دوران پیش از کودتای نظامی و پاپویان و اسانیا و بزغال، یعنی نظامی که ظاهر دموکراتیک داشته باشد، ولی در عین حال با هزاران زنجیره اردوگاه امپریالیستی وابسته باشد. این نیروها متحد بدیش نظام "سلطنتی متروحه" آماده سازش و عقب نشینی هستند.

در لحظه کنونی که این نیروها به میزان زیادی از حاکمیت برکنارند، هدف فوری و مرم آنان باهدف حداقل جبهه براندازی یعنی امپریالیسم و ضدانقلاب کاملاً منطبق گردیده است و هر دو تمام تلاش خود را به کار می برند تا دولت کنونی را سرنگون کنند و دولت میانرو و معتدل و عاقل "حاجزین آن سازند که دارو دسته ریگان را حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و منطقه تکراری کنیم حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و در منطقه می دانند و امیدوار است که با روی کار آمدن چنین دولتی "مناسبات تنگاتنگ گذشته تجدید شود."

سازمان های سیاسی مشخص این اردوگاه عبارتند از "جبهه ملی" و "گروه ها و گروهک های وابسته آن"، "نهضت آزادی"، دفتر هماهنگی مردم پارسی جمهور، گروه های کوچک تری مانند "حما" و نظائر آن هم هستند که ضمن دعوی استقلال و داشتن نظریات ویژه، در عمده ترین موضع گیری ها، از این جبهه تبعیت می کنند.

سازندگان سیاسی این "جبهه" سازش و تسلیم "یک رنگ و یک دست نیستند و از طیف رنگارنگی تشکیل می شوند که یک طرف آن امثال امیرانظام و بزه و مراغهای و برخی دیگر از رزوا - ندگان وابسته امپریالیسم و در طرف دیگر آن شخصیت های لیبرال مانند مهندس یازگان قرار گرفته اند، یعنی کسانی که مانند او واقعاً یک لیبرال آت کشیده هستند یعنی "صادقانه و با اعتقاد" از نظام سرمایه داری دفاع می کنند و از سنبیدن ناگ کارگروه هقان و پسنهور و زحمتکش و حقوق این زحمت - کشان در جارتش عصبی می شوند و بر همین پایه هم "صادقانه و با اعتقاد" در دام امپریالیسم ها "امیرانظام" - های هنوز رسوا نشده می افتند و به دست آنها اداره می شوند.

### بالسالوادور بیشتر آشنا شویم

و پس از دوران گذاری کوتاه، فرمان امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، سرکوب مردم سالوادور را، با شدت بیشتر، از سر گرفت: تنها در سال میلادی ۱۹۸۰ ۱۲۰ هزار نفر قربانی جنایات رژیم شدند.

بدينسان، خلق سالوادور بناچار به پیکار مسلحانه توسل جست. در اواسط تابستان سال پیش، چهار سازمان: "حزب کمونیست سالوادور"، "اف. پ. ال"، "ارپ" و "فان" به تشکیل یک فرماندهی عالی مشترک ("درو") موفق شدند. در ۱۹ مرداد ۱۳۵۹ (۱۵ اوت ۱۹۸۰) همه نیروهای

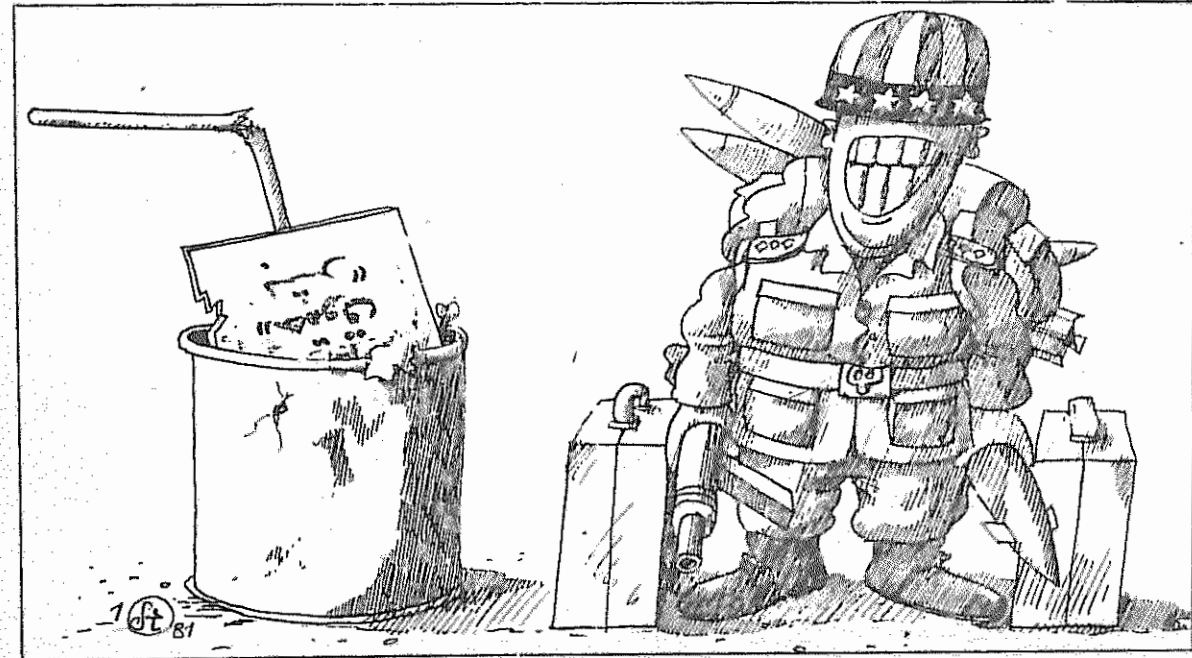
جمهوری سالوادور، با وسعت ۲۱۳۹۲ کیلومتر مربع و سکنه ۴/۵ میلیون نفری خود، از نظر جمعیت نسبی، در منطقه خشکی قاره آمریکا در مقام نخست قرار دارد.

ترکیب سکنه این سرزمین حاصلخیز آتشفشانی استوایی عبارتست از: "لادینو" ها (یکی از گروه های دورگه): ۸۴/۴ درصد، سفید پوستان (اخلاف ۱۵۲۵ استعمارگرا اسپانیایی): ۱۰ درصد، "ایندیو" ها (بومیان سرخ - پوست): ۵/۶ درصد.

پس از سرکوب رستاخیز بزرگ دهقانان و کارگران روستایی، به رهبری

فامیل"، که با سرمایه خارجی وابستگی نزدیک دارد، فرمانروایی می کند. بیش از نیمی از زمین های حاصلخیز سالوادور در دست این "۱۴ فامیل" است. در صادرات سالوادور قهوه مقام نخست را حاز است (در سال ۱۹۷۹: مقام هفتم در تولید جهانی). دیگر فراآورده های صادراتی مهم سالوادور عبارتست از: پنبه و شکر. اقتصاد کشور بر اثر جنگ "خونتتا" علیه خلق دچار بحرانی شدید شده است. اینک صادرات سالوادور به بیش از ۵۰ درصد زمان پیش از این جنگ کاهش یافته است.

در سالوادور تضادهای



سالوادور و پایان یک کارزار ریاکارانه آمریکائی

اجتماعی به اوج خود رسیده است. نزدیک به ۵۰ درصد نیروی کار این کشور بیکارند. ۴۳ درصد مردم سالوادور بی سوادند. بخش اعظم سکنه سالوادور در فقر زندگی می کند. میانگین انتظار عمر سالوادوری ها ۵۶ سال است. حدس زده می شود که از آغاز تشدید ترور تاکنون، بیش از ۱۰۰ هزار سالوادوری کشور خود را ترک کرده اند. بیش از ۶۰ هزار نفر از میهن دوستان سالوادور بوسیله "گارد ملی" از روستاها بیرون رانده شده اند و در اردوگاه های ویژه بسر می برند.

سلح در "جبهه" فارابوندمارتی "برای آزادی ملی" ("فرنته" فارابوندمارتی "پارا لالیبراسیون ناسیونال") گرد آمدند.

از سوی دیگر مخالفان غیر نظامی نیز - احزاب چپ، "سوسیال - دمکراتها" ("ام. ان. ار")، "ام. پ. ال" و "دمکرات های مسیحی چپ" - همراه با سندیکاها، اتحادیه های دهقانی و محافل کاتولیک، در "جبهه دمکراتیک انقلابی" ("فرنته دموکراتیکو رولوسوناریو" - "قدر") متشکل شدند.

در سالوادور، دارودسته "۱۴"

آئوگوستین فارابوندمارتی (یکی از بنیادگذاران "حزب کمونیست سالوادور") در سال ۱۳۱۱ (۱۹۲۲) علیه مارتینس، دیکتاتور مزدور ایالات متحده آمریکا، دوران تشدید ترور و اختناق در سالوادور آغاز شد. آخرین دیکتاتور این دوران ژنرال رومرو بود، که در ۲۳ مهر ۱۳۵۸ (۱۵ اکتبر ۱۹۷۹) سرنگون گردید. آنگاه "خونتتا" نظامی (واژه "خونتتا" از مصدر اسپانیولی "خونتار" = "جمع شدن" ریشه می گیرد و از جمله بمعنای جمع و "جرگه" و "هیئت" است) قدرت را بدست گرفت

### سیستم چند حزبی...

بقیه از صفحه ۳

سیستم اجتماعی و دولتی را، در وجود یا عدم وجود اپوزیسیون سیاسی می دانند.

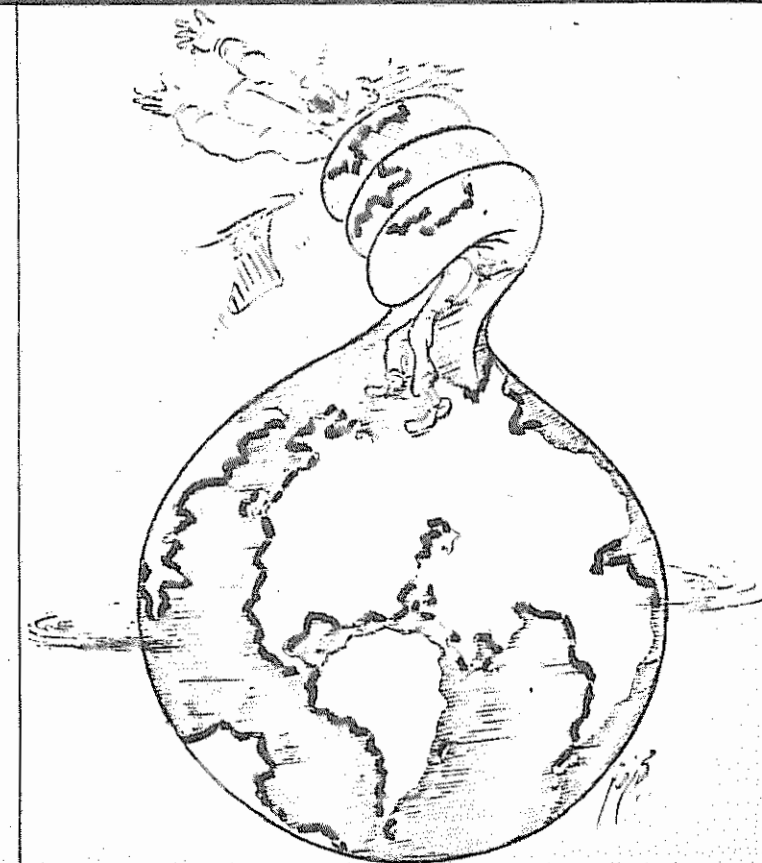
نماینده هیچ کس جز خود نیستند. میان چند میلیون نفر مردم آن ها هم چون قطره ای در اقیانوس اند. آن ها از هیچ گونه پشتیبانی زحمتکشان برخوردار نیستند و هیچ گونه تأثیری بر مسئله چند حزبی بودن ساختار سیاسی نمی گذارند. انطباق اهداف اساسی و منافع طبقه کارگر و اقشار اجتماعی با یکدیگر، محو خاستگاه های تضادهای آشتی ناپذیر در جامعه و تعهد همه احزاب به برنامه بنای سوسیالیسم رشد یافته، که از سوی حزب کمونیست و یاکارگری، به عنوان نیروی هدایت کننده در جامعه ارائه می شود، مبنای سیستم چند حزبی در کشورهای سوسیالیستی را تشکیل می دهد. این کشورها هنوز دارای بسیاری مسائل اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و آموزشی هستند و احزاب غیر کمونیست نیز در حل این مسائل فعالانه شرکت می جویند.

ساختار سیاسی، شماره احزاب سیاسی، اشکال و شیوه های فعالیت آن ها، اتحاد این احزاب با حزب کمونیست یا کارگری در هر کشور، به شرایط ویژه و سنت های تاریخی آن کشور و طرق ویژه ساختمان سوسیالیسم بستگی دارد.

تاریخ به نحوی مقنع نشان داده است که در یک جامعه، که طبقات استثمارگر آن شکست خورده اند، ولی به طور کامل از صحنه محو نشده اند، یک حزب اپوزیسیون، که در برگیرنده فقط یک گروه بندی کوچک از عناصر راست گرا باشد، در صدد احیای سیستم منسوخ برمی آید و در این راستا به دشمنی با سوسیالیسم برمی خیزد. به همان گونه که سیستم سوسیالیستی رشد می کند و به ویژه هنگامی که جامعه به سوی ساختمان سوسیالیسم پیشرفته گام برمی دارد، اپوزیسیون یا نگاه اجتماعی خود را از دست می دهد. تحولات انجام شده در ساختار اجتماعی، تحکیم بنیان های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک سوسیالیسم، تجمع زحمتکشان به گرد حزب کمونیست یا کارگری و تقویت اتحاد این حزب با سایر احزاب سیاسی، عواملی هستند که باعث محدود شدن قدرت اپوزیسیون می شود.

"ناراضیان"، که این چنین مورد ستایش تبلیغات بورژوازی قرار می گیرند،

## اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازار گانی خارجی اجرا کنید!



# جمهوری دمکراتیک افغانستان خواستار عادی کردن روابط خود با جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای همجوار است

وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد عادی کردن روابط افغانستان با کشورهای همجوار و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران و پاکستان اعلامیه‌ای منتشر ساخت. این اعلامیه بمناسبت سالگرد پیشنهاد های اعلام شده از جانب دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان، که در ۱۰ ماه مه سال ۱۹۸۰ (۲۰ اردیبهشت ۵۹) طی اعلامیه‌ای انتشار یافت، صادر شده است.

در این اعلامیه بر روی مواضع اصولی و بیکیفر جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد عادی کردن روابط خود با دو کشور همجوار - جمهوری اسلامی ایران و پاکستان - از طریق مذاکرات دوجانبه تأکید شده است.

در این اعلامیه آمده است که جمهوری دمکراتیک افغانستان پس از آغاز مرحله جدید تکامل «انقلاب ثور» در زمینه سیاست خارجی یک رشته ابتکارات و پیشنهادهای اصولی و مشخص برای عادی کردن اوضاع در منطقه جنوب غربی آسیا ارائه داده است.

دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بمنظور برقراری روابط با کشورهای همجوار و برای پایان دادن به فعالیت های خرابکارانه از خاک کشورهای خارجی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، یکسال پیش، در ۲۰ اردیبهشت سال ۱۳۵۹، برای حل و فصل سیاسی مسائل مربوط به افغانستان و برقراری روابط عادی با ایران و پاکستان اعلامیه‌ای صادر کرد.

در این اعلامیه از جانب دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شدیم بود که برای تنظیم موافقتنامه مربوط به عادی کردن روابط و گسترش روابط دوستانه و همکاری همهجانبه بر پایه رعایت اکید منافع طرفین، مذاکرات مستقیمی میان جمهوری دمکراتیک افغانستان با جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد. از جانب جمهوری دمکراتیک افغانستان بدولت پاکستان نیز پیشنهاد مشابهی ارائه داده شد. دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بمنظور حل مسئله شهرزندان افغانی، که به علل گوناگون در ایران و پاکستان و دیگر کشورهای همسایه اقامت دارند، از مقام های رسمی این کشورها دعوت کرد که به بازگشت آزادانه این شهرزندان به افغانستان مساعدت کنند.

در اعلامیه جدید وزارت امور خارجه افغانستان در مورد حل و فصل مسائل مورد اختلاف و عادی کردن روابط با جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، تأکید شده است که دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان مفاد پیشنهاد های مطرح شده در اعلامیه ۲۰ اردیبهشت سال ۵۹ خود را باردیگر تأیید میکند و بدینوسیله اصولیت و بیکیفری خط مشی سیاست خارجی خود را، که مبنی بر داشتن روابط دوستانه و مسالمت آمیز با کشورهای همجوار است، نشان میدهد.

شاه محمد دوست، وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، در جریان دیدار رسمی چندی پیش خود از دهلی، از جانب دولت افغانستان رسماً اعلام کرد که جمهوری دمکراتیک افغانستان آماده است، بدون هیچ قید و شرط مقدماتی، با جمهوری اسلامی ایران و پاکستان وارد مذاکره شود. وی تأکید کرد که دولت افغانستان صمیمانه خواستار چنین مذاکراتی برای برقراری روابط عادی و دوستانه با کشورهای همسایه خویش است. وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان اظهار داشت که در صورت تمایل پاکستان و جمهوری اسلامی ایران، دولت افغانستان آماده است که چنین مذاکراتی با حضور والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد انجام شود.

بدین ترتیب دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان با انتشار اعلامیه جدید وزارت امور خارجه آن کشور، باردیگر حسن نیت و آمادگی خود را برای عادی کردن روابط با جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط دوستانه و همکاری های گسترده نشان میدهد. اما متأسفانه تاکنون از جانب مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران هیچگونه واکنش مثبتی نسبت به

این ابتکارات مسالمت آمیز و دوستانه کشور همجوار ما، جمهوری دمکراتیک افغانستان، نشده است. برعکس، تبلیغات علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، که منابع اصلی آن مراکز خبری دول امریالیستی و گروه های ضد انقلابی افغانی است، همچنان در مطبوعات و رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد.

افشای ماهیت گروه های ضد انقلابی افغانی و روابط این گروه ها با مراکز جاسوسی آمریکا و رژیم های ضد خلقی و وابسته به امریالیسم آمریکا در منطقه، موید این واقعیت است که امریالیسم آمریکا همان توطئه های براندازی را که علیه جمهوری اسلامی ایران بمورد اجرا میگذارد، درباره جمهوری دمکراتیک افغانستان نیز دنبال میکند. رژیم های ضد خلقی و وابسته به امریالیسم آمریکا در منطقه نیز، بدستور دولت آمریکا، نسبت به جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان، روشها و سیاست های کاملاً مشابهی دارند. رژیم های سادات، عربستان سعودی، پاکستان و اردن، همانطور که به رژیم جنایتکار صدام در جنگ تحمیلی و تجاوز کارانه علیه جمهوری اسلامی ایران همهگونه کمک مالی و تسلیحاتی میکنند، گروه های ضد انقلابی افغانی را نیز علیه رژیم دمکراتیک در افغانستان تقویت می کنند و اعتبارات مالی و جنگ افزار در اختیار آنان میگذارند؛

از سوی دیگر، در توصیه های برژینسکی مشاور امنیت رئیس جمهور پیشین آمریکا، از جانب کارتر به وزارت امور خارجه آمریکا، در مورد تضعیف مواضع بین المللی ایران و بوخامت کشاندن روابط جمهوری اسلامی ایران با همسایگان شرعی شده است:

«لازم است جو سوءظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانی وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.»

این توصیه صریح دولت آمریکا جای کمترین تردیدی باقی نمیگذارد که تیره بودن روابط ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان و کوشش در جهت تشدید تیرگی این روابط، با منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کاملاً مغایرت دارد.

در شرایط جنگ تحمیلی رژیم خائن صدام علیه جمهوری اسلامی ایران و با توجه به توطئه های بی دریبی امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مسئله عادی کردن روابط برقراری روابط دوستانه و همکاری با جمهوری دمکراتیک افغانستان، از مسائلی است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است نسبت به آن برخورد درست و واقع بینانه داشته باشد.

در روابط میان جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان هیچگونه اختلاف و مناقشهای وجود ندارد که نتوان آنرا از راه مذاکرات دوستانه و با حسن نیت حل و فصل کرد، بویژه آنکه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بارها حسن نیت و آمادگی خود را برای عادی کردن روابط با جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته و صمیمانه خواستار برقراری روابط دوستانه با جمهوری اسلامی ایران است.

اعلامیه جدید وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، که باردیگر بر مواضع اصولی و حسن نیت دولت افغانستان جهت آغاز مذاکرات دوستانه با جمهوری اسلامی ایران بمنظور عادی کردن روابط میان دو کشور همجوار تأکید دارد، فرصت مناسبی است که از جانب مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران، با درک واقع بینانه منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ یک برخورد اصولی و عاری از پیش داوری های ذهنی - گرایانه، باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

# آیا گزاشی که علیه حزب توده ایران به رئیس جمهور داده شده، از طرف پیروان خط برژینسکی نیست؟

روزهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد، هر وقت امریالیسم آمریکا نقشه تازه ای را برای سرکوب انقلاب در دست دازد، دوستان و عمال آن به تبلیغ گوشخراش «خطر شوروی» می پردازند. توده و «خطر شوروی» می پردازند. این بار هم همان نقشه قدیمی تکرار و شرح مفصل آن هم برای رئیس جمهوری فرستاده شده است. تا آنجا هم که مربوط به روزنامه «انقلاب اسلامی» میشود، مطلب معلوم است. تنها باعث تأسف و تعجب است که مقام مسئولین داری مانند آقای رئیس جمهور از گزارش پیروان خط برژینسکی در «کارنامه» خود علیه حزب توده ایران نقل قول می کنند.

همه مطالب «کارنامه رئیس جمهور» در این شماره، که در آن ۵ گزارش دیگر هم (از جمله گزارش های مربوط به نزدیکی رژیم صدام و آمریکا، سیاست های اقتصادی اروپا و ژاپن و امریک - سعوری ...) آمده، بسا قیتر درشت فقط همان بخش از گزارش پیروان خط برژینسکی را، که اقترا به حزب توده ایران است، در بالای ستون برجسته کرده است.

تا آنجا که این گزارش مربوط به پیروان خط برژینسکی - که اتفاقاً سند آنرا هم خود آقای رئیس جمهور فاش کردند - میشود، مسئله تازه ای نیست، درست مانند

چنانکه از «کارنامه رئیس جمهور» (منتشره در شماره شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ روزنامه «انقلاب اسلامی») برمی آید، پیروان خط برژینسکی گزارش را در «۸۵ صفحه قطع بزرگ درباره عملکرد و سیاست روسیه در ایران» به آقای بنی صدر داده اند. ایشان هم از این گزارش ۸۵ صفحه ای، تنها این جمله را نقل کرده اند: «بگمان نویسنده، این سیاست بر سه پایه دیپلماسی آشکار، دیپلماسی پنهان و استفاده از عوامل خود در ایران، یعنی حزب توده قرار دارد، تا ایران را وابسته بخود بگرداند.» روزنامه «انقلاب اسلامی» هم که تکلیفش معلوم است. از میان

## گام اول برای حل مشکل پاکسازی

اردیبهشت ۱۳۶۰) سخنان دادستان کل کشور مایه خرسندی است و می توانست اولین گام در راه حل یکی از مهمترین مشکلاتی شود که انحصارطلبان و قشریون بوجود آورده اند، و با کمک لیبرال ها و ضد انقلابیون، در عمل سبب شده اند که افراد وفادار به انقلاب از ادارات تصفیه شوند و یا اصولاً بخاطر اینکه خط فکری معینی دارند، استخدام نشوند.

متأسفانه باید گفت که برخلاف سخنان آقای اردبیلی مبنی بر این که «به مورد خاصی که قابل بررسی باشد، نرسیده ام و برخورد نکرده ام»، تصفیه افراد انقلابی از ادارات و یا عدم استخدام آنها بخاطر خط فکری (که مخالف قانون اساسی هم نیست) بسیار زیاد است. ما به نوبه خود بارها و بارها در این باره سخن گفته و نمونه های زیادی را نشان داده ایم. در آینده هم حاضر هستیم نمونه های متعددی را در این زمینه مطرح سازیم. به نظر ما، همانطور که دادستان کل کشور گفته است: «باید این کارها برچیده شود و ضابطه ای صحیح بوجود بیاید.» (همانجا)

ما باز هم درباره چگونگی این ضابطه، سخن خواهیم گفت.

## لایحه قصاص...

بقیه از صفحه ۱ ایران دلسوز و علاقمندند، این واقعیت را بدرستی درک کنند که طرح «لایحه قصاص» در عمل جز بسود تبلیغات سوء و مغرضانه ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران تمام نمیشود و تأکید بیرونی های علاقمند به سرنوشت انقلاب، چون حزب توده ایران، بر ضرورت مسیوکت گذاردن این لایحه، جز بر مبنای مصلحت انقلاب نبوده و نیست.

ایجاد جو شانتاز و رعب و برجسب زنی، نمیتواند لایحه ای را که با روح زمان تطبیق نمی کند و فکرائی و مخالفت بحق مردم را برانگیخته است، قابل دفاع سازد.

می خواهند افرادی را استخدام یا تصفیه نمایند، اگر بدانند مربوط به فلان قشر یا خط فکری است، او را مورد سؤال قرار میدهند، البته خط فکری که مخالف قانون اساسی نباشد، من چنین کاری را محکوم می کنم و بشدت با آن مخالف هستم.» (کیهان - ۲۶)

دادستان کل کشور، طی سخنانی، عدم استخدام یا تصفیه افراد را به علت خط فکری آنها شدیداً محکوم کرد. آیت الله موسوی اردبیلی، کسبه در یک مصاحبه مطبوعاتی در قم شرکت کرده بود، گفت: «اینکه گفته می شود وقتی

## رفت و آمد غیر قانونی عوامل ضد انقلاب از راه های مرزی سیستان و بلوچستان قاچاق هتفت ارز و مواد مخدر نیز از همین راهها جریان دارد.

عوامل ضد انقلاب، قاچاقچیان ارز، اسلحه و مواد مخدر، بسا استفاده از بعضی از راه های استان سیستان و بلوچستان، به سهولت به فعالیت های غیر قانونی خود ادامه می دهند.

این عوامل که شامل جنایتکاران رژیم گذشته، عوامل ساواک، سرمایه داران بزرگ، قاچاقچیان بزرگ و حرفه ای مواد مخدر و اسلحه و ارز و نیز بعضی از قاچاقچیان خرده پا می شوند، اکنون که مسیر زاهدان - میرجاوه از طریق قفقاز، از سوی مامورین نسبت به سایر نقاط بیشتر تحت کنترل قرار گرفته است، به راه مرزی سرریز - پیشین و دیگر راهها روی آورده اند. سرهنگ پنی عامری، فرمانده داخلی کودتای نوژه، نیز از همین راه فرار کرده بود، از سوی دیگر آن دسته از عوامل ضد انقلاب، که از راه های بندر چاه بهار و بندر لنگه و بندر عباس بوسیله لنج فرار می کردند، نیز با کنترلی که پاسداران انقلاب بر این راهها اعمال می کنند، به سوی راه سرریز - پیشین روی آورده اند.

همچنین قاچاقچیان مواد مخدر، بار خود را، که با شتر و از طریق کویر حمل می کنند و به شهرهای کنار کویر می رسانند، بوسیله خودروهای سوازی و باری، بین شهرها تقسیم می کنند. این قاچاقچیان بطور عمده برای حمل کالاهای خود از راه های زاهدان، میرجاوه - قفقاز استفاده می کنند به این ترتیب که آنان از زاهدان تا میرجاوه راه، که حدود ۲۰ کیلومتر است، طی می کنند و خود را به میرجاوه می رسانند و بوسیله راهنمایی که از قبل به آنها معرفی شده اند، به آن طرف مرز هدایت می شوند و خود را به خاک پاکستان می رسانند. این افراد پس از طی ۲۴ ساعت راه، به گویتا اولین شهر مرزی پاکستان می رسند و با پرداخت حداکثر ۴۰۰ تومان، شناسنامه پاکستانی دریافت می کنند و با این شناسنامه، بعنوان یک پاکستانی، پس از ۱۵ روز تا ۲۰ روز، گذرنامه پاکستانی دریافت می دارند. در این شهر کسانی که گذرنامه داشته، ولی اجازه خروج نداشته اند، بسا پرداخت ۸۰۰ روپیه پاکستانی، ویزای خروج برای هر کشوری که بخواهند تهیه می کنند. همچنین تبدیل پول ایرانی به پول پاکستانی و سپس به دلار یا مارک آلمان غربی به وسعت و سهولت فراوان در این شهر مرزی انجام می گیرد.

به این طریق مشاهده می شود که عوامل ضد انقلاب و قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر، ارز و اسلحه، چگونه می توانند نه تنها از مجازات بگریزند و اردوی ضد انقلاب در خارج از کشور را نیرومند کنند، بلکه همچنین مقادیر زیادی ارز مورد نیاز مملکت را به خارج انتقال می دهند و بجای آن مواد مخدر و اسلحه برای توطئه های بعدی عوامل خود به کشور ما وارد می کنند.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و بخصوص مرز - داران استان سیستان و بلوچستان می خواهیم که بیش از پیش در کنترل مرزها و دستگیری و مجازات عوامل فراری ضد انقلاب، هشیاری و قاطعیت نشان دهند.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!



### «اتحادیه همبستگی» لرستان خواهان استقرار اقتصاد سرمایه‌داری است

«پراود» در شماره ۲۵ اردیبهشت ۶۰ خود، در مقاله‌ای پیرامون «تظاهرات دربارۀ رهنمودهای اتحادیه همبستگی»، که چند روز پیش در لرستان انتشار یافت، نوشت:

«اتحادیه همبستگی میخواهد که حزب، پارلمان، قوه قضائیه و نهادهای اداری رهبری آنرا بپذیرند.»

بنوشته «پراود»: «همبستگی» خواستار آنست، که اقتصاد لرستان بر پایه قوانین سرمایه‌داری رهبری گردد. «پراود» می‌افزاید:

«رهنمود واقعی مولفان این سند آنست که ضربۀ ای سوسیالیسم بر دستاوردهای سوسیالیسم، حقوق زحمتکشان، حزب متحد کارگری لرستان و پایه‌های سیاست دولت خلق وارد آید. این تظاهراتانگیز نظرات آن دسته عناصر درون «همبستگی» و پشت سر آنست، که میخواهند از بحران کنونی بعنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف استقرار سیستم سرمایه‌داری استفاده جویند.»

### حزب کشتی‌های جنگی آمریکا بسوی سواحل لبنان

ناروایی‌های ایالات متحده آمریکا، بنام «ایندی پندس» (داستال)، در حالیکه از سوی دو کشتی جنگی اسکورت می‌شود، پس از گذشتن از کانال سوئز، و ورود به مدیترانه، به سواحل لبنان نزدیک میگردد. هدف از کسب کشتی‌های جنگی آمریکا به سواحل لبنان، دامن زدن به تشنج‌های لبنان و ارباب مقامات سوری و نیروهای ملی‌مترقی لبنانی و رزمندگان فلسطینی است.

### سردسته گروهک ضدانقلابی، به ارباب و چپاول مردم افغانستان اعتراف کرد

شب ۲۵ اردیبهشت ۶۰، «تلویزیون مسکو» فیلمی از فعالیت یکی از باندهای ضدانقلابی، که چند روز پیش اعضای آن در افغانستان دستگیر شدند، نشان داد.

این باند ضدانقلابی نیز، مانند دیگر داروخته‌ها، در پاکستان، در اردوگاه‌های ویژه، زیر نظر کارشناسان آمریکایی و چینی، آموزش دیده و به افغانستان فرستاده شده بود.

در این فیلم، همچنین سلاح‌های آمریکایی، بریتانیایی و چینی دیده می‌شد، که اشرار نامبرده در اختیار داشتند.

بگفته سرکرده باند، این گروهک خرابکار، که ۲۳ نفر را دربر میگرفت، به ارباب و چپاول مردم می‌پرداخت.

### روئسی در لرستان هست که دستاوردهای سوسیالیسم را بخطر افکنده است

روز ۲۶ اردیبهشت ۶۰، کنفرانسی از رهبران و مسئولان حزبی در ورشو برگزار شد.

استانیسلاو گائیا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لرستان، که در این کنفرانس شرکت کرد، گفت:

«در کشور روئندی دیده میشود، که سرشت آن دستاوردهای سوسیالیستی را بخطر افکنده است.»

بگفته گائیا: «باید هرچه زودتر دشواریهای مردم را از راه‌های سیاسی حل کرد. این امر تنها هنگامی ممکن است، که حزب فعالیت شایسته خود را بر پایه مارکسیسم - لنینیسم برآورد.»

### ضارب پاپ با سازمانهای نئوفاشیستی کشورهای غربی رابطه دارد

لوچیانو اتلیسی، معاون دادستان کل ایتالیا، گفته است که ضارب پاپ با احتمال قریب به یقین «جنايتکاری حرفه‌ای» است و با سازمانهای تروریستی ارتباط دارد.

«گوریا دل‌اسرا» گزارش میدهد که نامبرده از پشتیبانی مالی هنگفت بهره‌مند بوده است. بنوشته این روزنامه، وی امسال سفرهایی به آلمان غربی، فرانسه و اسپانیا کرده بوده است.

روزنامه «آواتی» می‌نویسد که، ضارب پاپ با نئوفاشیستهای جمهوری فدرال آلمان رابطه دارد.

### دولت آمریکا در امور داخلی فرانسه دخالت میکند

گزارش‌های رسیده از ایالات متحده آمریکا حاکی است که «واشینگتن»، پس از انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، آشکارا به مداخله در امور داخلی فرانسه می‌پردازد.

وزارت خارجه آمریکا اظهار داشته است که «بدقت تشکیل و ترکیب کابینه جدید فرانسه را دنبال خواهد کرد.»

ازسوی دیگر، یک سخنگوی دکانس سفیده به نمایندگان مطبوعات گفت:

«چشم‌انداز شرکت که‌نویستها در کابینه جدید فرانسه دولت ریگان را بر آن داشته است که به مطالعه دقیق اوضاع بپردازد.»

«گسترده محافل مذهبی، اتحادیه‌های کارگری، «دمکراتهای آزاد» و برخی از هواداران «اتحادیه دمکرات مسیحی» دیده می‌شود.»

### سپیل کالاهای آمریکایی به عراق سر از زیر شلوار است

بگزارش خیرگزاری لیبی، کالاهای آمریکایی به حدی به بازارهای عراقی سرازین شده که در ده سال گذشته بیسابقه بوده است.

این خیرگزاری، بنقل از برخی بگزارش خیرگزاری لیبی، «صدام حسین می‌کوشد، تا به رشوه هنگفت، عراقی‌ها را به پیوستن به ارتش و شرکت در جنگ گریه رژیم عراق علیه انقلاب ایران، ترغیب کند.»

### دفاعیه «جاما» از خود و چند نکته درباره آن

دفتر سیاسی جنبش انقلابی مردم ایران - «جاما»، طی نامه‌ای به تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۶۰، در پاسخ به آنچه در گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره «جاما» گفته شده، خواستار انتشار توضیحات مندرج در نامه، «طبق قانون مطبوعات»، در «نامه مردم» شده است.

درباره این نامه «جاما» نکات زیرشایان ذکر است:

۱- آنچه در گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی درباره «جاما» ذکر شده، تنها سه خط و به این شرح بوده است:

«گروه‌های کوچکتری مانند «جاما» و نظائر آن هم هستند که، ضمن دعوی استقلال و داشتن نظریات ویژه در عده‌ترین موضع‌گیریها، از این جنبه (جنبه سازش و تسلیم) تبعیت می‌کنند.»

باین ترتیب روشن است که:

اولا اگر این جمله بدقت و در ارتباط با بقیه متن خوانده شود، آشکار میگردد که گزارش هیئت سیاسی بین مواضع «جاما» و بقیه گروه‌های «جنبه سازش و تسلیم» فاصله معینی را، که ناشی از مواضع سیاسی «جاما» است، حفظ کرده است.

ثانیا مطابق قانون مطبوعات، پاسخ به يك مطلب برای درج در روزنامه‌ای که آن را ذکر کرده، بایده اندازه خود آن مطلب باشد، درحالیکه «جاما» در جواب سه خط یادشده، نامه‌ای در ۵ صفحه و ۲ سطر ماشین شده ارسال داشته‌است.

۲- طبق قانون مطبوعات، پاسخی که حاوی افترا و دشنام باشد، قابل چاپ نیست. متأسفانه «جاما» در لابلای کلمات نامه خود، دشنامها و افتراهای متعددی را به حزب توده ایران گنجانده است.

۳- «جاما» که خواستار چاپ يك نامه ۵ صفحه‌ای در پاسخ به مطلب سه سطر «نامه مردم» است، آنچنانکه تجربه نشان داده، خود را ملزم به رعایت این امر در مورد حزب توده ایران نمی‌داند.

۴- «جاما» بدفعات در ارگان خود و حتی در مقدمه کتابی که توسط آن منتشر شده است - «دکوتا در کودتا» - به حزب توده ایران دشنام گفته، افترا زده و به ما نسبت «خیانت» داده‌است. ما هرگز این دشنامها و افتراها را شایسته پاسخ دادن ندانسته‌ایم. تنها یکبار، وقتی که «جاما» در اطلاعیه رسمی خود درباره وقایع ۱۴ اسفند ۵۹ دانشگاه تهران نوشت: «يك بار دیگر اتحاد مشهور توده»

می‌دانیم،

### محدودیت‌های غیرقانونی در راه فعالیت آزادانه هواداران حزب توده ایران در منطقه «پل سیمان» تهران

از فعالیت آزادانه هواداران حزب توده ایران در منطقه سرپل سیمان تهران به شکلهای مختلف جلوگیری می‌شود. تاکنون در چندین مورد رفقای ما مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و از کار تبلیغاتی آنان ممانعت شده است. متأسفانه در چند مورد افرادی از کمیته منطقه نیز در ممانعت از فعالیت رفقای ما نقش داشته‌اند. در این ارتباط باید به چند مورد بازداشت‌های غیرقانونی و بی‌دلیل رفقای ما، توسط بعضی از افراد این کمیته، اشاره کرد. از جمله یکی از هواداران حزب توده ایران در روز ۹ اردیبهشت ۶۰ به «جرم»! چسباندن پوستری به مناسبت روز کارگر بازداشت شد.

از سوی دیگر باید به تبلیغات وسیع و آزادانه عوامل گروهک مائوئیستی - آمریکایی «رنجبران» اشاره کرد. این عوامل در سطح وسیعی در منطقه به نوشتن شعارهایی علیه حزب توده ایران و دوستان انقلاب ایران در سطح جهان پرداخته‌اند.

باید پرسید: چگونه هنگامیکه به انحاء مختلف از فعالیت‌های سازنده و انقلابی اعضای و هواداران حزب توده ایران در این محل جلوگیری می‌شود، افراد این گروهک «سیا» ساخته، چنین در انجام اقدامات ضدانقلابی خود آزادند؟

ما ضمن اعتراض شدید به محدودیت‌های غیرقانونی که در راه فعالیت اعضای و هواداران حزب توده ایران در این منطقه بعمل می‌آید، از مسئولین کمیته محل و تمامی ارگانهای انقلابی این منطقه می‌خواهیم که تمامی کوشش خود را صرف اجرای مفاد اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد آزادی‌های دمکراتیک و نیز رهنمودهای امام خمینی در این مورد کنند.

ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که ممانعت از فعالیت‌های سازنده و انقلابی حزب توده ایران به هیچ روی در جهت مصالح انقلاب نیست.

خسرو و اکرم يك نیم سکه طلا شادی ۷۰۰۰ ریال

هواداران حزب در حسن آباد يا سوگند بیچار ۴۰۰۰ ریال

هواداران حزب درساره ۲۰۰۰۰ ریال

جمع آوری شده در جشن عروسی ن. و ف. ۱۱۵۰۰ ریال باضافه ۴ نیم سکه طلا و ۶ ربع سکه طلا بهرنگ کوچولو ۲۸۶۴ ریال

### تصحیح

در شماره ۵۱۲ «نامه مردم» در تفسیر هفتگی نظری به حوادث بین‌المللی در هفته‌ای که گذشت، در جمله آخر، ستون دوم، پیش از کلمه «توانستند»، کلمه «تاکنون» از قلم افتاده است، که بدینوسیله تصحیح می‌شود.

### کمک مالی به حزب توده ایران، يك وظیفه انقلابی است!

خسرو و اکرم يك نیم سکه طلا شادی ۷۰۰۰ ریال

هواداران حزب در حسن آباد يا سوگند بیچار ۴۰۰۰ ریال

هواداران حزب درساره ۲۰۰۰۰ ریال

جمع آوری شده در جشن عروسی ن. و ف. ۱۱۵۰۰ ریال باضافه ۴ نیم سکه طلا و ۶ ربع سکه طلا بهرنگ کوچولو ۲۸۶۴ ریال

## باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم